

دوم - ارامنه مرکزی (طهران) يك نفر
 سوم - ارامنه آذربایجان مرکزی (تبریز) يك نفر
 چهارم - آذربیل - آستارا - مشكين خنخال - نمین - اجارود مرکزی (آذربیل) سه نفر
 پنجم - اردگان بلوك میبد - قدا - ندموشن - رباطات - مرکز (اردكان) يك نفر
 ششم - اردستان - زواره - قهیا به - نائین - انارك - مركز (نائین) يك نفر
 هفتم - ارومیه - سلماس - اشویه - مرکز (ارومیه) دونفر
يك نفر از نمایندگان - آقا بهید طبع كندا
یاسائی - خیلی خوب تقدیم میکنم طبع شود
 خلاصه اینکه عده شان مطابق این پیش نهادی که بنده تهیه کردهام و طبع و توزیع می شود باید صد و شصت و چهار نفر باشد
 ممکن است آقایان ملاحظه بفرمایند اگر هم نظریاتی دارند پیش نهادی کنند جرح و تعدیل شود
 بعینه بنده خیلی نامتناسب است که تبریز و اطراف تبریز که شاید دارای يك كور جمعیت است نه و کبیل داشته ولی اصفاهان که دارای هشتصد هزار یا نهصد هزار جمعیت است پنج و کبیل بدهد یا کرمان دارای دونفر و کبیل باشد شهر رشت هم دارای دو کبیل این خیلی بی تناسب است
 بعینه بنده باید آقایان تجدید نظر بکنند و البته هر کس هم نظریاتی دارد بگوید و بالاخره هر چه اکثریت تصویب کرد همانست
 در بعضی جاها واقعا خیلی کم منظور شده
 مثلاً عراق دو نفر و کبیل هم است همچنین قزوین دونفر و کبیل کم است بعضی نقاط دیگر و کبیل مستقل می خواهد و بالاخره بنده نظریاتم همین بود که عرض کردم
 حالا دیگر بنده است به نظریات آقایان
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کانی است
 رئیس - بقیه مذاکرات از ماده ۶۴ میماند برای پنجشنبه آتی
جمعی از نمایندگان - صحیح است
 رئیس - چند نفره از کبیسون مرخصی رسیده است قرائت میشود
 (شرح ذیل قرائت شد)

آقای ضیاءالاطباء نماینده محترم بعضی ادای فریضه ای که بواسطه نذر بر ذمت خود دارند مجبور به حرکت با عتاب مقدسه بوده تقاضای سه ماه مرخصی از تاریخ حرکت کرده اند کمیسیون عذر ایشانرا موجه دانسته تصویب می نماید
 رئیس - آقایانی که مرخصی سه ماهه آقای ضیاءالاطباء را تصویب می کنند قیام فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 (رایرت دیگر راجع بر مرخصی آقای دست غیب به مضمون ذیل قرائت شد)
 آقای دست غیب نماینده محترم به جهت اصلاح امور شخصی خود را مجبور به حرکت بطرف شیراز دانسته چهار ماه مرخصی تقاضا کرده اند کمیسیون تصویب می نماید که از روز حرکت تا مدت سه ماه غایب با اجازه باشند
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده چهار ماه را زیاد میدانم
يك نفر از نمایندگان - سه ماهه شیروانی - در سه ماه مرخصی ندارم
 رئیس - آقای شوشتری
آقای سید محمد علی شوشتری - بنده دو ماه بیشتر عقیده ندارم
 رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)
سر کشیک زاده - البته بعضی از آقایان محترم مسبوق هستند که آقای دست غیب يك وارده باشند وارد شد و اخوی ایشان در يك ماه قبل فوت شد و امورات ایشان مختل ماند
 به علاوه ایشان يك گرفتاری داشتند که بواسطه مرور زمان نتوانستند به آن گرفتاریها رسیدگی میکنند در چند وقت قبل از مجلس پنج ماه اجازه مرخصی خواسته بودند و کمیسیون عذر ایشان رفتن کمیسیون عراض بواسطه زیادی مدت تصویب نکرد با توجه باز تجدید اجازه نمودند و چهار ماه اجازه خواستند
 بنده تصور می کنم با این که ما تمام اجازه ها را تصویب کرده ایم خوب است اجازه مرخصی ایشان را هم قبول کنیم
 آقای دست غیب موافقت قیام فرمایند
 (عده کثیری قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 (رایرت راجع بر مرخصی سه ماهه آقای صولت الماطنه به شرح ذیل قرائت شد)
 آقای صولت الماطنه نماینده محترم نظر با اتفاقات و حوادثی که در معاش ایشان آمده که حضورشانرا در آنجا ایجاب می

کرد اجازه مرخصی سه ماه از تاریخ بیستم دلو خواستند
 کمیسیون عذر ایشانرا موجه دانسته لکن مقتضی ندید که بیش از دو ماه غایب باشند لذا تصویب می نماید که از تاریخ بیستم دلو تا مدت دو ماه غایب با اجازه باشند
 رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه)
وکیل الملك - بنده موافقم
 رئیس - آقایانی که با این رایرت موافقت قیام فرمایند
 (اکثر مابین گان برخاستند)
 رئیس - تصویب شد
 چون فردا روز عید است و برای عرض تبریک حضور الاحضرت ولایت مهد باید شرفیاب شد شش نفر به حکم قرعه انتخاب می شود
 (استقرا بعمل آمده آقایان ذیل انتخاب شدند)
 آقایان: سلطان العلماء - صدر الاسلام رهنما - صدائی - ایزدی - امیر اشرف
 رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده خواستم عرض کنم يك فقره خبر دیگر هم راجع به کبی استوان است اگر اجازه می فرمائید قرائت شود
 (شرح ذیل قرائت شد)
 آقای کبی استوان نماینده محترم به جهت اصلاح امور دیاره امور معوقه شخصی و مشاهده بعضی از اوضاع عمومی محلی مجبور به حرکت بطرف انزلی بوده تقاضای مرخصی سه ماه کرده اند
 کمیسیون عذر ایشانرا موجه دانسته در دلائل اظهاره ایشان تصویب می نماید که مدت دو ماه از تاریخ تصویب غائب با اجازه باشند
 رئیس - آقای اخگر (اجازه)
اخگر - بنده موافقم
 رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)
محمد شاه ششم میرزا شیخ الرئیس بنده هم موافقم
 رئیس - مخالفی ندارم
 (گفتند - خیر)
 رئیس - رأی منی گیریم بر مرخصی سه ماهه آقای کبی استوان
 آقایانی که موافقت قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 راجع بدستور روز شنبه دو فقره پیش نهاد شده است
 یکی از آقای دامغانی دیگری از طرف آقایان حاج سیدالمحققین و طهرانی آمده که حضورشانرا در آنجا ایجاب می

پیشنهاد راجع بر ترجمه کتب در درجه اول جزو دستور باشد
 آقای دامغانی (اجازه)
شریف محمد اردامغانی - تقریباً در شش ماه قبل این پیشنهاد داده شده باینکه روح موافقی که از طرف آقایان نمایندگان اظهار شد و بیشتر از آقایان هم امضاء کرده اند و تقاضا کردند در مجلس مطرح شود وقت بکمیسیون مبتکرات در آنجا قابل توجه شد و برگشت بمجلس در اینجا مذاکره شد که مجدداً برگردد بکمیسیون مبتکرات و جلب نظر دولت بشود وقت بکمیسیون و گویا موافقت نظر دولت هم تحصیل شد و باز قابل توجه دانستند که پس از آنکه در مجلس قابل توجه شد ارجاع شود بکمیسیون بودجه و تصویب نمی گنم چندان مذاکره هم لازم داشته باشد
 بالاخره رد یا قبول باید تکلیفش معلوم شود
 لهذا بنده پیشنهاد کردم که در درجه اول جزو دستور باشند و تکلیفش هم از درجه اول معلوم شود
 رئیس - رأی منی گیریم
حاج میرزا عبد الوهاب - بنده مخالفم
 رئیس - فرمایند
حاج میرزا عبد الوهاب - بنده آنروز هم عرض کردم حالا هم عرض می کنم تا قانون میزبانی نگردد نباید قانون دیگری را بمجلس آورد برای اینکه يك مملکت که عمل مالیاتی آن مغفل است باید هر چه زودتر اصلاح شود زیرا از يك کسی باید خبر واریات بگیرند و صد خروار می گیرند از يك کسی باید صد خروار مالیات بدهد و ضرر می بینند
 این است که بنده مستقدم که تقدم بر همه قوانین قانون میزبانی است و تا آن قانون تمام نشود هیچ قانونی در مجلس مطرح نشود
 رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای دامغانی را تصویب می کنند قیام فرمایند
 (عده قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 تقاضای دیگر راجع بر حقوق ورثه مرحوم مجد الاشراف و مستشار دفتر است آقای طهرانی
 آقایان: حاج میرزا عبد الوهاب خلی میل دارند به میزبانی انشاء الله برایشان مبارك است
 لکن این دو فقره لایحه تقدیمش خیلی کم است یکی هجده تومان دیگری هشت تومان و صاحبانش هم بیچاره و پریشان هستند
 حوت را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند

چند دقیقه بیشتر هم طول نمی کشد لهذا بنده پیشنهاد کردم که روز شنبه مطرح شود
 رئیس - آقایانی که تصویب میکنند جزو دستور شنبه بشود قیام فرمایند
 (جمع کثیری قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد
 آقای طهرانی (اجازه)
آقای شیخ محمد علی طهرانی - بنده خواستم يك نکته را تذکره بکنم آقایان موقع ایام عید و ما - مبارك رمضان دولت جدیت داشت باینکه مردم يك آسایش فوق العاده داشته باشد مخصوصاً نسبت به مستخدمین خودش
 تقریباً مدتی است بودجه از مجلس گذشته است
 دو روز تاغانه یکی عدلیه دیگری معارف است که شش ماه است حقوق بانها نرسیده
شیروانی - تمام وزارت خانها نرسیده قیر از مالیه
طهرانی - حالا بنده کاری به ایله ندارم خواستم عرض کنم که در این موقع مقتضی است
 مخصوصاً مجلس شورای ملی عطف توجهی بوزارت عدلیه و معارف بکنند و همچنین نسبت بمستظرفین خدمت که قانونش از مجلس گذشته و هنوز بانها حقوق داده نشده
 لهذا تقاضای می کنم بدولت تذکر داده شود که بودجه عدلیه و معارف بدهند
 و موجب تمایل این دو وزارتخانه بشوند که آنها هم سر کار خودشان باشند و وظیفه خود را انجام بدهند
 رئیس - جلسه را ختم میکنیم
 (مجلس تقریباً یکساعت بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك منشی علی اقبال الملك منشی معظم السلطان
جلسه صدوسی و سه صورت مشروح مجلس یوم شنبه دهم حوت ۱۳۰۲ مطابق چهارم شعبان ۱۳۴۳
مجلس دوساعت قبل از ظهر ریاست آقای سهام السلطان نایب رئیس تشکیل گردید
 صورت مجلس یوم پنجشنبه هشتم حوت را آقای آقا میرزا جواد خان قرائت نمودند

نایب رئیس آقای ملک الشیرا (اجازه)
ملك الشعراء - بنده قبل از دستور عرض مختصری دارم
نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
شریف محمد اردامغانی بنده هم قیام فرمایند
آقای شیخ محمد علی طهرانی قبل از دستور عرض دارم ؟
نایب رئیس - راجع بصورت مجلس مخالفی نیست
بعضی از نمایندگان غیر نایب رئیس آقای ملک الشعراء (اجازه)
ملك الشعراء - چند شب قبل بموجب تصادفی که با یکی از معلمین مدرسه دارالفنون واقع شد بنده چیزی شنیدم که واقعا اسباب تأسف بنده شد و یقین دایم تمام رفقای محترم بنده هم از شنیدن این خبر متأثر خواهند شد و آن قضیه تعطیلی است که در مدرسه دارالفنون یعنی اولین مدرسه ایران واقع شده است و این تعطیل هم بیشتر تأسف آور خواهد بود اگر مطلع شوم بواسطه نرسیدن حقوق معلمین بوده است
 بالاخره این قضیه به ماها ثابت شده است و مرکز در مجلس درجاریه گفته ایم که تمسیم معارف یکی از مسائل مهمه است و این مسئله به ماها ثابت شده است و قطعاً اوایل امور مالیه ما با وزیر مالیه یا رئیس مالیه یا هر کس که مسئول این قضیاست این قضیه را حس کرده اند که تا چه اندازه مملکت علاقه به معارف دارد اگر این اندازه بی مبالائی شود که مدرسه دارالفنون که اولین مدرسه عالی ایران است بواسطه نرسیدن حقوق تعطیل شود حقیقتاً اسباب تأسف است
 مدرسه دارالفنون از چهارم حوت تعطیل شده است و هیچ معلومی نیست چه وقت این تعطیل شود و البته این قضیه يك لطمه بدروس شاگردان وارد میکند و علاوه بر این مثلا باعث دسردي معلمین مدارس عالی و اشخاصیکه سالها زحمت کشیده اند و امروز علم و قریب خود را صرف خدمت مملکت کرده اند این اشخاص لااقل باید برای خرج یومه شان معطل نباشند. يك پیام خوبی یکی از معلمین دارالفنون داده است بد کتر میلسو میگویند ما بطوریکه شما میگویید من در مقابل خدمت حقوق میدهم معلمین مدرسه دارالفنون هم در مقابل

حقوق حاضرند خدمت کنند مجاباً حاضر نیستند خدمت کنند
 امیدوارم این مرایش يك تذکری باشد برای اولیای امور مالیه و سعی کنند که رفع تعطیل مدرسه دارالفنون بشود و بعد از این هم وقت کنند که این قبیل تعطیلها که حقیقتاً شرم آور و اسباب تأسف و تألم است صورت نگیرند و در آتی این تضاد در مجلس پیش نیاید
بعضی از نمایندگان - صحیح است
نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه)
شریف محمد اردامغانی - بنده هم در تأیید اظهارات آقای ملک الشعراء خواستم عرض کنم با حسن نظری که از طرف مجلس نسبت بر رئیس مسأله اظهار شد و بنده هم همانطور مستقدم متأسفانه گویا حقوق چند برج وزارت عدلیه و قضات و معنیین مدارس نرسیده و باین جهت معلمین تعطیل گردانند
 و چند روز است که قضات عدلیه هم تعطیل کرده اند و بآن اهیتی که در تأمین قوه قضائیه و نشر معارف منظور نظر همه آقایان است
 البته نرسیدن حقوق باعضاء منجر به تعطیل و اختلال امور است و البته این اختلال هم با نظر اساس تمام علاقه مندان باین مملکت مخالف است خواستم تذکره داده شود که حقوق آقایان قضات و معلمین مدارس زودتر پرداخته شود که رفع این تعطیل بشود
نایب رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
سلطان العلماء - بنده هم میخواستم راجع باین موضوع عرض کنم که آقایان فرمودند
 شهریه ها و این همان طرز اصول قدیمه است که هر کس میرسد برای يك کس دیگر به عنوان غایب متوفی از معمل شهریه ها یک چیزی برای اومی نوشتند
 بعینه بنده باید این شهریه را از مخارج عمومی مملکت داد و در موفقی هم هر حقوقی را باید ضبط کرد ضبط کنند و برای اینکه این ترتیب سابقه نشود و باین عبارت مخالفم و باید حقوق راز بودجه کل پرداخت و هر حقوقی که نباید داده شود باید عمومی ضبط شد و بنده با این عبارت مخالفم و اگر برداشته شود موافق خواهم شد
مخبر - این ترتیب را که حضرت والا میفرمایند نقش فرض خواهد شد
 تصدیق میفرمایند این محلی را که ما مدین کرده ایم مربوط بیک محل معینی نیست
 این شهریه از آن هشتصد هزار تومان محل شهریه و مستمری پرداخته خواهد شد
 چون این هشتصد هزار تومان شاید

پرداخت این شهریه بر شهریه ها و مستمریات عمومی اولویت خواهد داشت
نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده خواستم از مخبر محترم سؤال کنم
 (مخالف نیستم موافق هستم)
 لیکن خواستم توضیح بدهم که این حقوقی را که معین کرده اند با قانون استخدام موافقت دارد یا نه ؟
 و بعد از اینهم گمان میکنم کمیسیون مطابق موادی که در قانون استخدام هست مطابق همان مواد این قبیل شهریه ها را تمام بکنند و دیگر بمجلس نیاورند بهتر است چون زایدی نیست
 خوب است آقای مخبر در این موضوع توضیحی بفرمایند که معلوم شود مجلس متوجه باجرای قانون استخدام هست و میخواهد در حدود قانون شهریه مستمری عطا کند
مخبر - چون این رایرت مدتی است داده شده است آقای آقا سید یعقوب فراموش فرموده اند
 در مقدمه رایرت مخصوصاً نوشته شده است که کاملاً با قانون استخدام تطبیق شده است
 و برای اطلاع خاطر آقایان عرض میکنم مشرت الدوله فقط است و مشرت الدوله صحیح است
نایب رئیس - آقای شیخ الرئیس (اجازه)
محمد شاه ششم میرزا شیخ الرئیس بنده در این موضوع اشکالی ندارم که باشخاص مستحق حقوق داده شود اشکال بنده در طرز نوشتن این رایرت نیست
 در این رایرت نوشته شده است از محل شهریه ها و این همان طرز اصول قدیمه است که هر کس میرسد برای يك کس دیگر به عنوان غایب متوفی از معمل شهریه ها یک چیزی برای اومی نوشتند
 بعینه بنده باید این شهریه را از مخارج عمومی مملکت داد و در موفقی هم هر حقوقی را باید ضبط کرد ضبط کنند و برای اینکه این ترتیب سابقه نشود و باین عبارت مخالفم و باید حقوق راز بودجه کل پرداخت و هر حقوقی که نباید داده شود باید عمومی ضبط شد و بنده با این عبارت مخالفم و اگر برداشته شود موافق خواهم شد
مخبر - این ترتیب را که حضرت والا میفرمایند نقش فرض خواهد شد
 تصدیق میفرمایند این محلی را که ما مدین کرده ایم مربوط بیک محل معینی نیست
 این شهریه از آن هشتصد هزار تومان محل شهریه و مستمری پرداخته خواهد شد
 چون این هشتصد هزار تومان شاید

شصدهزار تومان یا شصصد و پنجاه هزار
تومانست بصرف برسد
بنابراین ماهم گفته‌ایم که این شهریه
از همان محل هشتصد هزار تومان پرداخته
شود
اینکه میفرمایند از بودجه مملکت
پرداخته شود از کجای بودجه کل پرداخته
شود
از بودجه وزارت داخله ؟
از بودجه وزارت عدلیه ؟
یا از کدام وزارتخانه ها معلوم است
مستمری یا شهریه که درباره کسی برقرار
می‌شود و باید از همین محل هشتصد هزار
تومان باشد
جمعی از نمایندگان - مذاکرات
کافی است
نایب رئیس - رأی میگیریم
آقایانی که باین رأیارت موافقتورده
سفید و الاورده آبی خواهند داد
(اخذ و استخراج آراء بعد آمده
نتیجه بترتیب ذیل حاصل شد)
ورقه سفید علامت قبول ۷۳ ورقه
کبود ۱
نایب رئیس - با اکثریت هفاد و سه
رای تصویب شد
اسامی موافقین
آقایان معظم السطان - دولت آبادی
علانی - انشار - شیخ الرئیس یزدی - مشیر
الدوله - تقی زاده - اعتبار الدوله - سلیمان
میرزا - عدل الملک - رهنما - ناصر الاسلام
یمن الملک - معوم الملک - صدر الاسلام
شریعتدار - شوشتری - سر کشیک زاده
مشارعظم - سهرابخان - نظام التولیه - مستند
السلطنه - قوام الدوله - عماد السلطنه
سردار منیر - مشیر معظم - احتشام العکماء
ارباب کبیر - مصدق الملک - یاسائی -
هرمزی - رئیس التجار - آقامیرزا بدالله
خان - سکی استوان - دیوان بیگی - سهراب
زاده - آقا میرزا آقاخان عمر انقلاب -
مصدق السلطنه - صدرائی - آقا شیخ عبدالرحمن
فایده مقام الملک - شریعت زاده - اعیان السلطنه
تدین - ضیاء الواعظین - ملک الشعراء
طهرانی قائم مقام - شیخ الاسلام ملایری -
امیر احتشام - آقامیرزا سید احمد بهبهانی
حاج سیدالمحققین - امیرالم - مدرس -
آقاسید مصطفی بهبهانی - محمد هاشم میرزا
حاج مشیر اعظم - ضیاء الاعظم - معاضد السلطنه
آقاسید یعقوب - سالار لشکر - اسکندری
- امین الشریعه - ضیاء الملک - سلطان العلماء
نجات - هایم - داور - نظم الملک - آقا
میرزا سید حسن کاشانی - شیخ العرافین زاده
اقبال الملک
مخالف - آقا شیخ محمد علی الموتی
نایب رئیس - خبر کمیسیون بودجه
راجع بقرن ورتبه مستشار دفتر مطرح
است

(شرح آتی خوانده شد)
ماده واحده - وزارت مالیه مجازاست
حکامه ماهی هجده تومان مطابق تفصیل
ذیل از محل اعتبار شهریه و مستزاد در
حق ورثه مرحوم مستشار دفتر منظور و
پرداخت نماید
طوبی خان عمال مرحوم مستشار دفتر
مضرو دایره وظایف مادام که شوهر اختیار
نکرده است ۲۰ تومان
عباسخان تاسن بیست سالگی ۳۰
فران
هوشنگ خان پسر تاسن بیست سالگی
۳۰ فران
اصغر خان پسر تاسن بیست سالگی
۳۰ فران
ایرج خان پسر تاسن بیست سالگی
۳۰ فران
سکینه خانم صبیبه مادام که شوهر اختیار
نکرده ۲۰ فران
اکرم خانم صبیبه مادام که شوهر اختیار
نکرده ۲۰ فران
نایب رئیس - معافی ندارد
بعضی از نمایندگان - خبر
نایب رئیس - رأی میگیریم آقایانی
که موافقتورده سفید والا ورقه کبود
خواهند داد
(اخذ و استخراج آراء بعد آمده
نتیجه اینطور حاصل شد)
ورقه سفید - علامت قبول ۷۶ ورقه
کبود علامت رد ۱
نایب رئیس - با اکثریت هفتاد و شش
رای از صد نفر نمایندگان حاضر تصویب شد
اسامی موافقین
آقایان - شیخ العرافین زاده - ضیاء
الاطباء - ضیاء الواعظین - صورت السلطنه
ملک الشعراء - امیر احتشام - آقا میرزا سید
احمد بهبهانی - مصدق الملک - دیوان بیگی
آقا شیخ محمد علی طهرانی - رئیس التجار
آقامیرزا آقاخان - سکی استوان - امیر اشرف
آقا میرزا بدالله خان - اعیان السلطنه - یمن
الاسلام - مدبر الملک - تدین - شریعت
زاده - صدرائی - ایزدی - صدق السلطنه
یاسائی - سهراب خان - هرمزی - سردار
منظر - احتشام العکماء - عماد السلطنه
شوشتری - معتمد السلطنه - مشیر معظم
آقاسید مصطفی بهبهانی - محمد هاشم میرزا
حاج مشیر اعظم - ضیاء الاعظم - معاضد السلطنه
آقاسید یعقوب - سالار لشکر - اسکندری
- امین الشریعه - ضیاء الملک - سلطان العلماء
نجات - هایم - داور - نظم الملک - آقا
میرزا سید حسن کاشانی - شیخ العرافین زاده
اقبال الملک
مخالف - آقا شیخ محمد علی الموتی
نایب رئیس - خبر کمیسیون بودجه
راجع بقرن ورتبه مستشار دفتر مطرح
است

بیش نهاد آقای آقا شیخ هادی شیخ
الرئیس
بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم قانون
ممیزی پیش نهادی کمیسیون بطریق ذیل
اصلاح شود
کثیر - اکتان نیشکر - چندتر قند
چای - توتستان جهت گرم ابریشم الی
آخر
بیش نهاد آقامیرزا بدالله خان
بنده پیش نهاد می کنم ماده دوم
برای تشویق عمومی این طور اصلاح
شود
ماده دوم کتان - نیشکر - چندتر قند
چای و توتستان جهت گرم ابریشم از پرداخت
این تاریخ تصویب این قانون معافند
نایب رئیس - آقای وکیل الملک
(اجازه)
وکیل الملک - اینجا نوشته شده
است کتان و نیشکر و چندتر قند و چای و
توتستان تا پنجسال از تاریخ تصویب این
قانون از پرداخت مالیات معافند
در اینجا دولت برای تشویق زراعت
و نیشکر و کتان و چندتر قند این ماده را پیش
بینی کرده است
ولی می بینیم باین ترتیب جلو گیری
میشود زراعت آنها
قرض بفرمایند يك نفری در چهار سال
دیگر متلا در شیراز باهمدان مشغول زراعت
نیشکر یا چای شد در آن موقع فوراً اگر بیان
اورامی گیرند که مالیات بنده در صورتیکه
مقصود از این ماده این است که تا پنج سال
اگر زراعت گرد از مالیات معاف باشد و مقیده
بنده این است که نوشته شود از تاریخ شروع
زراعت تا پنج سال از مالیات معاف خواهد
بود
بعضی از نمایندگان - صحیح
است
هخیر - بنده تصور می کنم در این
موضوع کمیسیون هم اختلافی نداشته
باشد پیش نهاد بفرمایند در کمیسیون
اصلاح میشود
جمعی از نمایندگان - مذاکرات
کافی است
تدین - بنده مخالفم
نایب رئیس - پیشنهاد کفایت
مذاکرات شده است اگر با کفایت مذاکرات
مخالف بفرمایند
تدین - عرضی ندارم
نایب رئیس - رأی میگیریم به
کفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را
کافی میدانند قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)
نایب رئیس - تصویب شد - پیش
نهاد قرائت میشود
(شرح آتی خوانده شد)
بیش نهاد آقای آقای مدرس - پیش نهاد
میکنم در ماده دوم به جای مدت پنجسال
نوشته شود :
پانزده میزری جدید

ماده دوم - عایدات متوسط مالک
هیارت است از ثلث عایدی تعیینی سه ساله
عالی ودانی و متوسط پنج سال اخیر
بیش نهاد آقای قایم مقام الملک
بنده پیشنهاد می کنم که چائی و کتف
بر سایر زراعت هائیکه اسم برده شده
معطوف شود
بیش نهاد آقای محمدولی میرزا
پیش نهاد می کنم ماده ۲ چای - کتان
کثیرا - و نیشکر از اداء هر گونه مالیات
معاف هستند
بیش نهاد آقاسید یعقوب - بنده در
پیش نهاد خود این کلمه را زیاد می کنم
هر زراعت جدیدی در هر محلی که جدید آن
زراعت ایجاد شود
نایب رئیس - ماده سوم مطرح
است
(بشرح ذیل قرائت شد)
ماده سوم عموم ملاکین یا متصرفین
املاک مکلفند جواب سئوالات مندرجه در
اوراق و اظهار نامه بیکه از طرف وزارت
مالیه در کلیه بلوکات توزیع خواهد شد
الی شصت روز در سه نسخه نوشته و امضاء
نموده تسلیم مأمورین ذی مدخل نمایند
تیسره - ۱ - وزارت مالیه باید اوراق
اظهارنامه بعد کفایت در هر حوزه بلوکی
توزیع نماید مودیان مالیاتی نیز مکلفند که
اوراق مزبور را تحصیل نموده مقررات ماده
سوم فوق را بموقع اجرا بگذارند
تیسره - ۲ - مأمورین مربوطه وزارت
مالیه در موقع تحویل گرفتن اوراق اظهار
نامه باید تاریخ وصول آنها را بر روی
سه نسخه نوشته و به مهر اداری برسانند و یک
نسخه را تسلیم کننده اظهارنامه مسترد
دارند
نایب رئیس - آقای وکیل الملک
(اجازه)
وکیل الملک این جا می نویسد عموم
ملاکین یا متصرفین املاک مکلفند جواب
سئوالات مندرجه در اوراق اظهارنامه
که از طرف وزارت مالیه در کلیه بلوکات
توزیع خواهد شد الی شصت روز در سه
نسخه نوشته و امضاء نموده تسلیم مأمورین
ذی مدخل نمایند
بنده سئوالات مندرجه در اوراق اظهار
نامه را نمی دانم چیست
باید يك نمونه ومدلی از آن بیاورند
به پیشم
قرضا اگر يك اشکالاتی در آن بود
و در گردستان از بنده سؤال کردند این
چیزت بگویم ندیده و نخوانده رأی دادم ؟
مخصوصاً بنده فراموش نکردم
نصیحتی را که آقای مدرس در ابتدای دوره
چهارم فرمودند که هر چیزی را مادام است و
فهمیده رای بدهیم بهتر است
از این جهت بنده عرض می کنم
اگر آقای هخیر يك نمونه از آن را

این جا بیاورند بهتر است
هخیر - تصور می کنم که اصل این
قضیه چندان اشکالی نداشته باشد
و خیال آقای وکیل الملک از این باب
راحت باشد
ذیرا سئوالاتی را که وزارت مالیه در این
خصوص مینویسد و جواب را که از رعایای
خواهد راجع باین مالیات ملک و آن چه که
مربوط به این قانون است
ذیرا يك مسأله را باید بپندمند و آن از
رو باین تشخیص بدهند که چه باید بگیرند
حالا باین تذکری که دارند ممکن
است وزارت مالیه يك نمونه از آن را به
کمیسیون بیاورند و در آن جا آقایان ملاحظه
بفرمایند
این ممکنست
جمعی از نمایندگان - مذاکرات
کافی است
نایب رئیس - ماده چهارم قرائت
میشود
(بشرح ذیل خوانده شد)
ماده چهارم - در صورت استتکاف
مالک یا متصرف ملک از اجرای مفاد ماده
سیم در مدت معینه اظهارنامه که کدخدایان
و یا سربندها تصدیق کرده باشند
قائم مقام اظهارنامه ماده سوم مالک
شناخته خواهد شد در صورت استتکاف آن
ها از اجرای مندرجات بخرج مالک در
حضور اوباقائم مقام اولئکه ممیزی و مالیات
آن مطابق مواد این قانون تشخیص داده
خواهد شد
در صورت استتکاف مالک یا قائم مقام
اواضح شود در موقع ممیزی
ممیزی در حضور کدخدایان یا سربنده
ها و یا ریش سفندان ملک یا املاک مجاور
اجرا خواهد شد
نایب رئیس - آقای وکیل الملک
(اجازه)
وکیل الملک - آنچه که بنظر بنده
از این ماده میرسد این است که خود
وزارت مالیه هم ملتفت شده که اشکالاتی
هست و مثل این که همدآ در این جا این
اشکالات را فراهم نموده است می نویسد
در صورت استتکاف مالک یا قائم
مقام او با حضور کدخدا و سربنده بخرج او
ممیزی خواهند کرد
و این ترتیبی که در ماده نوشته بنده
میدانم اسباب زحمت مالک یا قائم مقام او
خواهد بود
قرضا اگر يك اشکالاتی در آن بود
و در گردستان از بنده سؤال کردند این
چیزت بگویم ندیده و نخوانده رأی دادم ؟
مخصوصاً بنده فراموش نکردم
نصیحتی را که آقای مدرس در ابتدای دوره
چهارم فرمودند که هر چیزی را مادام است و
فهمیده رای بدهیم بهتر است
از این جهت بنده عرض می کنم
اگر آقای هخیر يك نمونه از آن را

بی سواد را مأمور ممیزی خواهند کرد ؟
در صورتیکه در قانون سابق يك هیشتی
را معین کرده و نوشته بود
دو نفر از طرف دولت که معتمدین آن صفحات
باشند و يك نفر هم از معتمدین آن صفحات
که اطلاعات معنی دارد و يك دو نفر از طرف
مالک بروند و ممیزی کنند
و در این صور هیچ اشکالی نداشت
ذیرا طرفین تراضی کرده و راضی
شده بودند
ولی باین ترتیب حاله فرضاً مأمورین برای
ممیزی رفتند و مالک حاضر نشد و در غیاب
او يك ممیزی شد و اگر مالک باین ممیزی
راضی نشد باز خود آن مأمورین و معتمدین
ممیزی میکنند و او در موقع خودش هم قاضی
ابتدائی وهم استینافی وهم تیزی است و
تمام سه مرحله قضاوت بان يك نفر خواهد
بود و این اسباب زحمت خواهد شد
یس بعقیده بنده همانطور که در
دوره چهارم پیش بینی شده بود که يك
هیئتی از جانب طرفین معین شود بهتر
است
هخیر - در این جا دو مسئله است
یکی این که اول باید دولت اطلاع
حاصل کند از این که يك ملکي چه مقدار
محصول و عایدی دارد
وقتی که این اطلاع حاصل شد اگر
کسی مدعی شد که این اطلاع صحیح نیست
باید رسیدگی کرد تا خلاف آن معلوم
شود
آن مسئله که آقای وکیل الملک در
نظر دارند راجع بقسمت حکمیت خوبست
ولی به نظر کمیسیون همچو رسیدگی که ابتدائاً
از خود صاحب ملک یا قائم مقام او سئوالاتی
بشود و او خودش محصول و عایدی ملک را
معین میکند تا دیگر دولت در بدو امر مجبور
نشود بیک دستگاه خیلی مفصلی بایک مأمورینی
بفرستد و ممیزی بکنند
همچو تصور شد که سهل ترین ترتیبات
همین است که حالا قراردادیم
یعنی چنانکه عرض شد از مالک ملک
سئوالاتی بشود
آنوقت اگر وزارت مالیه باین قرائن
و دلالتی دید که این مقدار صحیح نیست
و اظهارنامه مالک کذب بوده و عایدات خودش
را کم قلم کرده است آنوقت رسیدگی کامل
بکنند
در این جا خواستیم بدو بهمین اصل
صحت عمل کنیم
یعنی بگوئیم آنچه را که مالک می
گوید صحیح است مگر آنکه کذبش ثابت
شود و این هم برای مردم وهم برای دولت
سهل تر است
در درجه دوم همچو قراردادیم که
اگر مالک جواب نداد ناچار باید از اشخاصی
که در آنجا مجاور هستند و اطاعت دارند
از آنها سؤال کنند

البته در این جا ممکن است يك اختلافی
بباید و وقتی که اظهارنامه نوشته شده مالک
اعتراض بکند و بگوید خبر این طور نیست
عایدات من کمتر از این است که در این جا قلم
داده شده
در این جا اولاً باید با آقای مالک گفت
که آقا شما خوب بود خودتان بدو اجواب
سئوالات را میدادید تا مجبور نشوند که از
دیگران تحقیق کنند
حال این اختلافات باید بطور حکمیت
قطع شود
در این موضوع اگر آقا پس از کفایت
مذاکرات يك پیشنهادی بدهند اساساً
کمان نمیکند در کمیسیون مورد دقت نشود
و حکمیت هم وقتی است که يك اختلافی
پیش بیاید بین آنچه که ممیز راجع بعایدات
گفته یا آنچه که مالک گفته است در آن -
وقت حکمیت لازم می آید بالا بیاوریم ترتیبی
که در قانون پیش بوده
یعنی دو نفر از این طرف و دو نفر از آن
طرف با يك شخص ثالثی انتخاب شوند و
رسیدگی کنند تا معلوم شود که قضیه از چه
قرار بوده یا برتر تبدیل دیگر
بهر حال ضرری ندارد که در درجه
آخر يك حکمیتی معین شود و این را هم
اگر آقا پیش نهاد بکنند ممکن است در
کمیسیون مورد قبول شود
بعضی از نمایندگان - مذاکرات
کافی است
نایب رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)
آقا شیخ محمد مدعی طهرانی -
بنده اهمیت این ماده را باندازه ماده اول
میدانم و گمان نمیکنم این مذاکراتی که
شده کافی باشد
باید نظریات آقایان گفته شود و معایب
این ماده معلوم شود بعد مذاکره کافی
باشد
این است که حالا بنده مذاکرات کافی
نمیدانم
نایب رئیس - رأی میگیریم بکفایت
مذاکرات آقایانی که تصویب میکنند قیام
فرمایند
(همه ای برخاستند)
نایب رئیس - تصویب نشد
آقای ضیاء الملک
(اجازه)
ضیاء الملک - عرضی ندارم
نایب رئیس - آقای ضیاء الملک
(اجازه)
حائز زاده - بعقیده بنده ترتیب
ممیزی را آنطوریکه در دوره پیش در کفایت
آقای قوام السلطنه آقای مصدق السلطنه
تنظیم و ترتیب داده بودند عملی تر بود

زیرا همان نظریاتی که آقای وکیل- الملك در نظر داشته همه در آن قانون پیش بینی شده بود ولی این ترتیبی که حاکمین شده خیلی گنک است و اختیارات مأمورین مالیه در میزبانی زیاد میشود و بانمودن اطلاعات کافی برای مردم بی سواد و عدم اطلاع توده و تقلبات زیادی که از مأمورین دیده میشود این اندازه اختیار بآنها دادن بضرر مردمست و باید یکجدا محدودی برای اختیارات آنها قائل شد و آنطوری که آقای صدیق السلطنه پیش نهاد کرده بودند این جمله را کاملاً تأمین میکرد که اظهار نامه را بدهند معذرت یک هیئتی هم برای رسیدگی برونند و تشخیص بدهند طریقه تعیین این هیئت را هم در آنجا پیش بینی کرده بودند و در طریقه اختلاف و شکایتی هم که مالک داشت برای حکایت ترتیبی معین شده بود لذا بنده با این ترتیب موافق نیستم و همان ترتیب را خوب میدانم

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده خیلی تمجیب میکنم از آقای حائری زاده که در همین جا در مسئله - مستغلات بیان کردند که ترتیب گرفتن مالیات مستغلات با ترتیب اظهار نامه و همین طریق سؤال و جواب از طرف مأمورین مالیه و ممالک صورت میگردد و خیلی هم سهل است

حالا هم در اینجا خیال کنند که مأمور مالیه مأمورین مالیه است که یک اظهار نامه را برای صاحبان املاک (بطوریکه در قانون مستغلات برای صاحب خانه معین شده است) میفرستند و آنها یک جوابی در مقابل اظهار نامه و سؤالات مینویسند و مأمورین همان را مدبر قرار میدهند و بعد در مقام تفحص برآیند و تمام قوانین جاریه را بطور است و با این ترتیب مخارج دولت کمتر است و این ترتیب همان ترتیبی است که در قانون مستغلات مصوبه مجلس دوره سوم منظور شده است

این اولاً و ثانیاً در اینجا دقت بفرمائید یکروز آقای مدرس یک عقیده گراچ به قانون میزبانی اظهار فرمودند که حقیقه عقیده تمام مجلس بود و آن این بود که مقصود اصلی از وضع این قانون میزبانی در دست کردن مالیات جنسی و تقاضی است

آنوقت در چیزی را باید در نظر داشته باشیم و آن اینست که اولاً تولید زحمت و کلفتی برای مردم فراهم نشود و ثانیاً مخارجی هم برای دولت ایجاد نکنیم آن ترتیبی که در دوره چهارم مقرر شده بود گرچه بنده هم یکی از موافقین

بودم ولی باید دانست آن اداره میزبانی که آقایان در نظر دارند یک مخارج زیادی برای دولت و مالیه ایجاد خواهد شد مخصوصاً در مملکت ما که بمجرد احساس یکطرفی نوری یک ادارات عریض و طویل در مالیه وضع و ایجاد می شود

خاصه اگر میزبانی باشد ولی اگر بنا باشد مالیه یک اظهار نامه ترتیب دهد (بطوریکه در ماده چهارم معین شده) و آنرا توسط کدخدایان و تصفیهداران در بلوکات و قراعه منتشر کند

فرضاً در سال اول فلان مالک تمام عوائد ملکش را ذکر نکند و چند خروار را غیر واضح بگوید و در حقیقت خود مردم باقی بمانند و اگر در سال اول شما موفق می شوید در سال سوم کاملاً مطلع میشوید قانوناً باید اولاً هر دو آسان گرفت تا بطور جاری شود و مطابق این ماده چهارم اساساً هم زحمت و کلفت بر مردم کمتر خواهد بود و هم احتمال تقلب کمتر می رود و هم مخارجی برای دولت متصور نخواهد بود

ولی اگر غیر از این باشد یک ادارات عریض و طویل در مالیه و ولایات و ایالات و بلوکات درست خواهد شد و مخارج فوق العاده تحصیل بقوات می شود و حال آنکه این اظهار نامه خرجی برای دولت ندارد

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده می بینم آقایان اغلب اعتراضات را ذکر کرده اند چون ماده اول را مجلس با اتفاق تقریباً رد کرد یا رد میکنند در اینجا بنده بچیزیکه خیلی اهمیت میدهد این عبارت مجمل است مینویسد (در صورت استتک مالک یا متصرف ملک از اجرای مفاد ماده سوم در مدت معینه اظهار نامه کدخدایان یا سربته ها تصدیق کرده باشد قائم مقام اظهار نامه ماده سوم مالک شناخته خواهد شد و در صورت استتک آنها از اجرای مندرجات بخرج مالک در حضور او یا قائم مقام از ملک میزبانی و مالیات آن مطابق مواد این قانون تشخیص داده خواهد شد)

خوب بچه کیفیت ملک میزبانی میشود این میزبانی علمی با اصول نقشه برداری و غیره خواهد بود یا اینکه عوائد فعلی او را میزبانی می کنند؟ مثلاً ممکن است یک ملک مادناً استعداد و ایات صد خروار یا هزار خروار عایدی داشته باشد اینطور میزبانی خواهند کرد؟ اگر اینطور است که معنی ندارد زیرا باید عوائد فعلی ملک را میزبانی

کنند نه عوائد استعدادی را علاوه بر این این میزبانی بچه کیفیت خواهد بود؟ گذشته از این وقتی که بنا باشد میزبانی بخرج مالک انجام گیرد هیچ مانعی نخواهد بود از اینکه مالیه یک اداره مفصلی یا اشخاص زیادی از قبیل مهندس المالک و مهندس الملك و غیره را از طهران بفرستند برونند میزبانی کنند و مخارج او را از مالک دریافت کنند اگر هم میزبانی بترتیب علمی صورت گیرد که آنهم اسباب زحمت است بهر حال در اینجا باید کیفیت میزبانی معین شود که مراد مقصود از این میزبانی چیست انصاف به عوائد فعلی است یا نسبت به عوائد استعدادی از این جهت لازم است توضیحی در این باب داده شود

مخبر - خاطر آقای طهرانی از این باب راحت باشد که مقصود از میزبانی که در اینجا ذکر شده میزبانی مفصل بانقشه و ترتیب خیلی مفصلی نیست و اول دلیل هم این است که ما بقدر کافی اشخاص نداریم و باید بطور تقریب معلوم شود که عایدات اشخاص چقدر است و سهم دولت چه اندازه است و اینجا هم مقصود از کلمه میزبانی معین بوده است و حالا با وجود این اگر لازم میدانند ممکنست یک هیئتی را که بنظر خودشان مجمل میدانند مرقوم بفرمائید و بدهند و البته در کمیسیون هم در این خصوص مذاکره می شود و بعد هم یک مشکلی که اسباب اشکال نشود پیش نهاد می شود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

محمد هاشم میرزا شیخ رئیس - بنده مخالفم

نایب رئیس - رأی گرفته می شود بکفایت مذاکرات آقایان موافقین بنام (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد

(بعضیون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقایان طهرانی و حاج سیدالمحققین - این جانبان پیش نهاد می نمایم که پس از لفظ (در حضور او یا قائم مقام او) اضافه شود عوائد فعلی ملک را میزبانی پیش نهاد میکنم در ماده چهارم این طور تصحیح شود

ماده چهارم - در صورت استتک مالک یا متصرف ملک بموجب مدارک از اجرای ماده سیم الخ

پیشنهاد آقای وکیل الملك - پیش نهاد میکنم تبصره ذیل بماده چهارم ضمیمه شود

تبصره - اگر اختلافی بین مالک و میزبانی در موقع میزبانی واقع شود قضیه به حکمیت ختم خواهد شد

پیش نهاد آقایان محمد هاشم میرزا - ماده ششم - اجاق - پیش نهاد میکنم ماده ۱۲ و ۱۳ خرد در ماده چهارم ۲۰ حمل بجای ماده ۴ گذاشته شود

نایب رئیس - اجازه بفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود

جمعی از نمایندگان - صحیح است

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

نایب رئیس - ماده پنجم مطرح است

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده پنجم - وزارت مالیه میتواند برای تشخیص صحت مندرجات اوراق اظهار نامه تقیضات و رسیدگی لازمه بعمل آورد

نایب رئیس - آقای وکیل الملك - در این جا عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - عرضی ندارم

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

نایب رئیس - مخالفی ندارد (گفتند شین)

نایب رئیس - ماده ششم (اینطور خوانده شد)

ماده ششم - چنانچه در نتیجه تقیض و رسیدگی یا میزبانی معلوم شود که مندرجات اظهار نامه برخلاف حقیقت بوده از اشخاصی که اظهار نامه مخالف حقیقت داده اند معادل دو برابر مالیات قانونی از آن مقداری که کسر قلم داد شده بعنوان جریمه گرفته خواهد شد

نایب رئیس - آقای وکیل الملك (اجازه)

وکیل الملك - بله

شیر وانی - اگر مباشر دروغ گفت البته از همان مباشری که دروغ گفته است بگیرند

وکیل الملك - ندارد

شیر وانی - از کسکی که ندارد نمی گیرند

بعضی از نمایندگان - گفتند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم

شیر وانی - رأی بگیریم

نایب رئیس - شاهزاده شیخ رئیس مخالفی با کفایت مذاکرات؟

مدرس - اجازه بفرمائید بنده

آقای آقا سید یعقوب خودشان فرمودند بفرمائید در شیراز ملکی دارند و بیک نفر مباشر با قائم مقام خودش یا کدخدا سیرده است و در سال هم دوست خروار یا صد خروار مالیات میدهند

حالا اگر آن نفر ده یا بیست خروار از محصول ملک را برای خودش دزدید و در موقع میزبانی کمتر از مقدار حقیقی گفت آنوقت دوست خروار که دو برابر قانونی صد خروار است

یک نفر از نمایندگان - بپانزده خروار تفاوتش است

وکیل الملك - بسیار خوب تفاوتش را هم فرض بفرمائید پانزده خروار یا سی خروار است

اگر این پانزده خروار را از آن یک نفری که مباشر است بگیرند صحیح نیست برای اینکه آن شخص چیزی ندارد برای پنج خروار آمده است در سال نو کرمی می کند و اگر آقای آقا سید یعقوب بگیرند که ایشان هم گناه نکرده اند و در هر صورت خوبست اینرا آقای آقا سید یعقوب که موافقت توضیح بدهند

نایب رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیر وانی - اساساً باید یک وقت نسبت باین مسائل التکلیف بشود یا اگر موافقت شد کم و زیادش نظری است و باید اصلاح کرد چون ممکن است آقایان یک نظری داشته باشند

مگر اینکه اساساً بفرمائید مجازات بشود

اگر مجازات را قائل می شوید آن وقت ممکن است بفرمائید بآدم است و پیش نهاد کنید کم بشود ولی اگر قائل شدید کسی که دروغ گفت باید مجازات بشود آنوقت مجازاتش این است که دو برابر از شمر مطالبه کنند و اما اینکه فرمودید در نتیجه تقیض و رسیدگی میزبانی معلوم شود که مندرجات اظهار نامه برخلاف حقیقت بوده است بنده اینجا ملتفت نشدم فرمودید که اگر مباشر برخلاف حقیقت گفت

وکیل الملك - بله

شیر وانی - اگر مباشر دروغ گفت البته از همان مباشری که دروغ گفته است بگیرند

وکیل الملك - ندارد

شیر وانی - از کسکی که ندارد نمی گیرند

بعضی از نمایندگان - گفتند مذاکرات کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم

شیر وانی - رأی بگیریم

نایب رئیس - شاهزاده شیخ رئیس مخالفی با کفایت مذاکرات؟

مدرس - اجازه بفرمائید بنده

سؤالی دارم از آقای مخبر **نایب رئیس -** شاهزاده شیخ رئیس مخالفند با کفایت مذاکرات؟

شیخ رئیس - بله

نایب رئیس - بفرمائید

شیخ رئیس - ملاحظه بفرمائید باز اگر مالک تنها بود که خودش صورت میداد میشد

گفت مذاکرات کافی است ولی اینجا مذاکره در این است که ببینیم این کار با مباشر است یا با کدخدا و اینجا هم معلوم نکرده است که از کی باید گرفت؟ و ترتیبش چیست و بنظر بنده خوبست آقایان موافقین و مخالفین توضیح بدهند

که مطلب درست معلوم شود و یک چیز صحیحی نوشته شود و از اینکه ما نیز ساعت وقتان را صرف نکنیم و تمام مردم بیچاره را در زحمت بیندازیم قانع نماند

و بهترین است آقایان اجازه بفرمائید یک قدری مذاکره بشود تا مطلب درست تشخیص

یک نفر از نمایندگان - رأی بگیریم

نایب رئیس - رأی می گیریم

کفایت مذاکرات در ماده شش آقایان موافقین قیام فرمائید

(عده کمی برخاستند)

نایب رئیس - معلوم می شود کافی نیست

آقای دامغانی - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای صولت السلطنه (اجازه)

صولت السلطنه - در تایید فرمایشات آقایان وکیل الملك و طهرانی عرض می کنم که املاک ایران تماماً از بابی نیست بلکه املاک ایران خورده مالک است و مملکت ما هم مملکت اربو پانسیست که همه متمسک باشند و بدانند که باید هم و کسر گفت و عین آنچه که در سال عاید بشانست بگویند

یا اینکه بنویسند بدهند و این وظیفه دولت است که باید تقیض کند و این جا میگوید چنانچه یک رعیتی که یک جفت ملک دارد کشف شد که یک عشار از آنچه که عایدات داشته است کمتر صورت داده

آنوقت جریمه اش این است که دو برابر از او بگیرند در صورتیکه اصف نیست نیست اگر دوشتر کمتر از عایداتش صورت داد و مقابل از او گرفت! این وظیفه دولت است که عایدات املاک را تشخیص بدهد و از آنرو مالیات بگیرد

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب در این مسئله که بنده اظهار کردم موافق آقای وکیل الملك فرمودند خوبست توضیح بدهند

آقای شیروانی توضیحی فرمودند ولی خیلی مفصل نبود و بنده حالا مسئله را از روی طریق عملی خدمت آقای وکیل الملك عرض میکنم

اساساً این قوانینی که در مجلس وضع

مواقف که قانون باید روشن و صریح باشد و جای تفسیر در هر دقیقه برای اشخاص پیش نیاید

ولی نظر کمیسیون دولت این بوده است که در همان سنه اول باشد و این نکته را که فرمودند ممکن است اسباب زحمت این راه طوری که خودشان میدانند اسباب اشتباه نمی شود

پیشنهاد بفرمائید کمیسیون هم موافقت میکنند و اگر هم پیشنهاد نمی فرمایند البته خود کمیسیون اصلاح میکند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

محمد هاشم میرزا شیخ رئیس - بنده مخالفم

نایب رئیس - مخالفان را اظهار فرمودید باین برای بگیریم رأی میگیریم به کفایت مذاکرات آقایان که موافقت قیام فرمائید

(عده کمی برخاستند)

نایب رئیس - معلوم می شود کافی نیست

آقای دامغانی - عرضی ندارم

نایب رئیس - آقای صولت السلطنه (اجازه)

صولت السلطنه - در تایید فرمایشات آقایان وکیل الملك و طهرانی عرض می کنم که املاک ایران تماماً از بابی نیست بلکه املاک ایران خورده مالک است و مملکت ما هم مملکت اربو پانسیست که همه متمسک باشند و بدانند که باید هم و کسر گفت و عین آنچه که در سال عاید بشانست بگویند

یا اینکه بنویسند بدهند و این وظیفه دولت است که باید تقیض کند و این جا میگوید چنانچه یک رعیتی که یک جفت ملک دارد کشف شد که یک عشار از آنچه که عایدات داشته است کمتر صورت داده

آنوقت جریمه اش این است که دو برابر از او بگیرند در صورتیکه اصف نیست نیست اگر دوشتر کمتر از عایداتش صورت داد و مقابل از او گرفت! این وظیفه دولت است که عایدات املاک را تشخیص بدهد و از آنرو مالیات بگیرد

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب در این مسئله که بنده اظهار کردم موافق آقای وکیل الملك فرمودند خوبست توضیح بدهند

آقای شیروانی توضیحی فرمودند ولی خیلی مفصل نبود و بنده حالا مسئله را از روی طریق عملی خدمت آقای وکیل الملك عرض میکنم

اساساً این قوانینی که در مجلس وضع

میشود باین متوجه باشیم که شامل حال اکثر افراد بشود و مواد قانون هم متوجه حال اغلب افراد است

یک جای نادرا لوجودی را نمی شود تقض قانون قرارداد و بنده هم ملکی ندارم ولی آقای صولت الدوله در فراس دارای املاک زیادی هستند

صولت الدوله البته

آقا سید یعقوب بنده که ملکی ندارم در فراس هم فقط ایشان مالکند و این هم نادرا لوجود است و نادرا لوجود را هم نمی شود تقض قانون قرارداد این اولاً

ثانیاً یک مسئله دیگری است که هم قدمای اهل علم میگویند و هم متجددین این بیان را میکنند و آن این است که جاهل مقصر معذور نیست این مطلب یعنی چه؟ یعنی بعد از آنکه قانون از مقام مقنن گذشت و اعلان شد و اطلاع داده شد آن شخص محکوم بحکم قانونست و قانون در باب او حکومت میکند و دیگر نمیتواند بیاید بگوید من جاهل بوده ام چرا؟

برای اینکه قبل از وضع قانون جهلش معذور است ولی بعد از وضع قانون قاصر نیست و عدم علم مجازات قانون را از بین نبرد که مثلا بگوید چون من علم نداشتم نباید مجازات بشوم

خبر باین مجازات بشود این راه هم مسلماً قبول داریم قانون که از مجلس میگردد وزراء مسئول و در اجرای قانون هستند و البته قانون را اعلان میکنند و یک ماده قانونی هم راجع با اعلان دادند البته مردم مطلع پیدا میکنند کیفیت قانون

این دو مسئله مسئله سوم این است که در این مجلس بقدر امکان همیشه محل نزاع بوده است که متخلف از قانون باید مجازات بشود یا نه بنده عرض میکنم هر قانونی که گذشت تخلف از آن مجازات دارد و نمیتوانیم بگوئیم قانون وضع بکنیم

ولی تخلف از آن مجازات نداشته باشد

حالا در مسئله زیادی با کمی آن ممکن است بعضی عواطف و مهربانی ها را ابراز شود

مثلاً بکنفر بگویند تخلف از قانون مجازاتش این اندازه باشد اما نمی شود گفت قانون باشد و تخلف از قانون مجازات نداشته باشد

این چیز فریبی می شود و بلکه هیچ نخواهد شد بواسطه اینکه تمام قوانینی که برای سعادت بشر وضع شده است مجازاتش دارد

البته بطریق اولی قوانینی هم که برای ترقی و سعادت یک ملتی وضع میشود ناچار باید تخلف از آن را یک مجازاتی برایش معین کرد و این قانون را باید مالکین

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

روزنامه پنجم

بعدها اینکه وزارت مایه اظهار نامه را برایشان می فرستد مطابق آن صورت اظهارنامه صورت مایه ایشان را بدهند - مدت اجرائش را هم معین میکنند که در ظرف یک سال یا دو سال یا سه سال باید اجراء شود و افراد هم از قانون مطلع شدند که در ماده هفت یک جریمه برای تخلف از آن وضع شده است.

البته اگر اظهار نامه را برخلاف واقع صورت دادند جریمه دارند و همچو قانونی نه شرعی و نه عرفی ظلم در باره او نیست به جهت اینکه خودش این مجازات را قبول کرده است و میداند در صورتی که بر حسب قانون الهی باید دستش را پرید یا به موجب قانون دیگری حبسش میکنند و اگر با علم به اینکه اگر دزدی کند مجازات دارد نباید بکند و همچو اقدامی کند دیگر در این جانبشود گفت که در حق او ظلم شده است.

بنابراین ما نمیتوانیم یک قانونی وضع کنیم که برای تخلف از آن مجازات نداشته باشد این است که بنده متقدم که باید مجازات برای متخلف از قانون قرار داد.

نایب رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - هیچ کسی نمیخواهد بگوید که یک قانون به این مهمی در صورت تخلف از آن مجازاتی برایش قائل نشوند.

تمام این مشکلات برای طرز جریان قانون رسیدن به مقصود است. ما میخواهیم طوری باشد که هم به مقصود برسیم و هم بالاخره مالیات قانونی را بگیریم و هم یک ماده نباشد که از آن سوء استفاده بشود یک جمعیتی را برحمت پندازد.

اینجا هم منصرف بمالک نیست. میگوید اگر مالک استنکاف کرد از سر بندها و سالار هائی که از آنجا هستند و حتی از اشخاصی که اطراف ملک هستند باید سوال کرد و اظهارات آن ها هم قائم مقام اظهارات مالک است.

در این صورت اگر آمدند و اشتباه کردند و آن ها غلط گفتند باید جریمه را از مالک بگیریم؟

پدر صورتیکه مالک حاضر نباشد یا نماند آن ها بگیریم؟

یعنی از آن کسیکه این خبر دروغ را داده است و اظهار نامه را برخلاف حقیقت صورت داده است باید جریمه آن ها بدهند؟

به علاوه اینجا برای صاحب ملک هم به هیچ وجه حق استثنائی قائل نشده است این هم در صورتی است که بگوید ولی اگر آمد و زیاد گفت آن وقت معلوم نیست ترتیبش چیست؟

مثل قانون دوره چهارم هم که استیناف را معین کرده بود و تکلیف هفت میزد را معین کرده بود این ها هم که نیست پس این يك ماده مهم و خیلی ناقص است این است که بنده نظر دارم که اگر این ماده به معین ترتیب مهم بماند خوب نیست و لازماست این قسمت به آن اضافه شود که اگر کسی خلاف گفت از آن کسیکه مسئول دادن اظهار نامه است گرفته شود و دو برابر هم بشود بنده زیاد است و یک برابر نیم از باریه التفات یعنی از آن چیزی که اختلاف گفته است گرفته شود آنچه باید برای سال اول یک مرتبه گرفته شود و باید این قسمت را توضیح داد که برای سال اول از مسئول آن اظهار نامه یعنی از آن کسی که مسئولیت داد باید گرفته شود.

لفظ جریمه را هم بنده لازم میدانم زیرا جریمه در مقابل تقصیر است و حال آنکه اینجا در مقابل زحمتی است که به مأمورین وارد میشود.

زیرا مأمورین در این جا باید تفتیش کنند و زحمت بکشند به عنوان حق الزحمه تفتیش نوشته شود بهتر است تا اینکه جریمه نوشته شود.

چون جریمه آن طوریکه مطلع شده است قبول گرفتن در مقابل تقصیر است و اینجا چون دولت در صدد تحقیق بر میآید و مأمور او که متصدی این امر است زحمت می کشد در مقابل زحمت او یک اجر و مزدیست که میگیرد بنابراین به عقیده بنده باید اینها توضیح شود.

شیروانی - تعارف بنویسند.

شیخ الرئیس - بله؟ چه فرمودید؟

شیروانی - هیچ.

شیخ الرئیس - پس خوب بود صبر میکردید عرض من تمام میشد و بعد اجازه میخواستید صحبت میکردید و به عقیده بنده ماده سیزده و چهارده قانون مورخه بیستم حمل دوره چهارم رفع این اشکالات را میکند و اگر آن را منوشته بهتر بود والا اگر بخواهند همین ماده را تصویب کنند اسباب اشکال میشود.

بنا بر این خوب است بیشتر توضیح دهند تا اسباب اشکال برای مأمورین و مردم بی سواد که در اطراف هستند نشود.

مغرب - مسائلی که اینجا فرمودند چهار قسمت بود و بنده در هر چهار قسمت توضیح عرض میکنم و تصور میکنم طرز عبارت و انشاء شاهزاده را بخالفت و ادا نموده است.

یکی فرمودند مسئول کیست - البته مسئول کسی است که برخلاف حقیقت اظهار نامه داده است و اتفاقا عبارت هم اینجا خیلی واضح است زیرا می نویسد (اشخاصی که برخلاف حقیقت اظهار نامه داده اند) حال هر کس میخواهد باشد مجازدین یا کدخدایا

مالک باشد کسیکه مخالف حقیقت اظهار کند مسئول اوست و یک نکته دیگر فرمودند که چرا مسئول است؟

البته مسئول است این را نیابستی تصور کرد که چون ملک مال فلان شخص نبوده و اطلاع نموده است او مسئول نیست برای اینکه این قانون بیک اشخاصی حکم میکند که باید مثلا خدمت نظامی کرد یا حکم میکند که اگر از فلان جنایت در خارج ایران اطلاع پیدا میکند باید در خاک ایران بگوید اینطور پیش آمد کرده آنوقت اگر آمد گفت من تکلیفی نداشتم چرا باید بیخود زحمت بکشم و بیایم شهادت بدهم از ادانی شونو میگویند بلی تکلیف این بود که بیانی شهادت بدهی در هر صورت آن کسیکه برخلاف حقیقت صحبت کرده مسئول است و تکلیف مسئول هم این جا معین شده.

مسئله دوم که فرمودند این بود که اگر آمدند از آن اشخاصی که مجاورند تحقیق کردند و عایدات را زیاد گفتند آن وقت ضرری است متوجه مالک.

در این صورت تصور میکنم یک اصل کلی تکلیف این را معین کرده و لازم نیست در این قانون نوشته شود زیرا هر کس بکس دیگری ضرر زد مسئول خسارتی است که بآن شخص وارد آورده و این جزء اصول حقوقی است.

اما راجع به قسمت ثالث فرمایش حضرت والا که فرمودند باید ماباه التفاوت را معین کنند مقصود کمیسیون هم همین بوده از آن مقداری که کسر قلم داده شده است و در برابر مالیات آن را باید از او گرفت و ممکن است این عبارت را طوری بکنیم که محل اشکال نباشد.

مسئله دیگر راجع بلفظ جریمه بود در این قسمت بنده هم اصراری در بودن اینکلمه ندارم شاید در کمیسیون هم صحبت شود و قبول کنند ولی اینکه فرمودند جریمه در مقابل تقصیر است البته آن کسی هم که دروغ گفته باید جریمه شود.

و باید اینجا اول اصل را قبول کنیم که کسی خلاف حقیقت صحبتی کند متصراست و باید جریمه شود.

و در هر صورت بنده اصراری ندارم چون عبارت مهم نیست ممکن است عبارت بهتری پیشنهاد بفرمایند.

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.)

نایب رئیس - کافی است.

بعضی از نمایندگان - بلی کافیست.

نایب رئیس - پیشنهاد - قرائت می شود.

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای نظام التولیه - بنده پیشنهاد می کنم قسمت جریمه از ماده ۶ حذف شود.

پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد میکنم ماده ششم بطریق ذیل نوشته شود.

چنانچه در نتیجه تفتیش و رسیدگی با ممیزی تصدیق دفتر از مستخدمین محلی که بتراضی طرفین معین شده اند معلوم شودالی آخر.

پیشنهاد شاهزاده محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس -

پیشنهاد می کنم در عوض دو برابر جریمه اینطور نوشته شود در صورت تخلف یک برابر و نیم مایه التفاوت از کسانی که مسئولیت اظهار نامه را دارند بعنوان حق الزحمه تحقیق تا وقتی گرفته شود فقط برای سال اول ممیزی خواهد بود.

پیشنهاد آقای ساروت - بنده پیشنهاد میکنم ماده ششم که بعد از کلمه (بعنوان جریمه) کلمه (در سال اول علاوه شود) پیشنهاد آقای سردار هشایر و آقا سید معی الدین

ماده العاقبه پیشنهاد میکنم که در تحقیق کردند و عایدات را زیاد گفتند آن وقت ضرری است متوجه مالک.

در این صورت تصور میکنم یک اصل کلی تکلیف این را معین کرده و لازم نیست در این قانون نوشته شود زیرا هر کس بکس دیگری ضرر زد مسئول خسارتی است که بآن شخص وارد آورده و این جزء اصول حقوقی است.

اما راجع به قسمت ثالث فرمایش حضرت والا که فرمودند باید ماباه التفاوت را معین کنند مقصود کمیسیون هم همین بوده از آن مقداری که کسر قلم داده شده است و در برابر مالیات آن را باید از او گرفت و ممکن است این عبارت را طوری بکنیم که محل اشکال نباشد.

مسئله دیگر راجع بلفظ جریمه بود در این قسمت بنده هم اصراری در بودن اینکلمه ندارم شاید در کمیسیون هم صحبت شود و قبول کنند ولی اینکه فرمودند جریمه در مقابل تقصیر است البته آن کسی هم که دروغ گفته باید جریمه شود.

و باید اینجا اول اصل را قبول کنیم که کسی خلاف حقیقت صحبتی کند متصراست و باید جریمه شود.

و در هر صورت بنده اصراری ندارم چون عبارت مهم نیست ممکن است عبارت بهتری پیشنهاد بفرمایند.

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.)

نایب رئیس - کافی است.

بعضی از نمایندگان - بلی کافیست.

نایب رئیس - پیشنهاد - قرائت می شود.

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال اصلاح ماده شش را با اضافه نمودن شرح ذیل پیشنهاد مینماید و هر گاه مالک به نتیجه تفتیش و ممیزی اعتراض داشته باشد

میتواند بحکم معمل عرض حال داده کذب نتیجه رسیدگی و تفتیش را ثابت نماید.

در این صورت اخذ جریمه متوقف بر حکم محکمه خواهد بود و چنانچه محکمه بصفه مالک رایورث مأمورین مالیرا تکلیف نمود اداره مایه بضمایزات وارده محکوم و مأمورینی که بر خلاف رایورث داده اند بعدا کماتاداری جلب میشوند.

پیشنهاد شاهزاده محمد ولی میرزا چنانچه در نتیجه تفتیش و رسیدگی با ممیزی معلوم شود که متدرجات اظهار نامه در قسمتی که عایدات اختصاصی صاحب اظهار نامه است برخلاف حقیقت بوده از اشخاصی که مخالف حقیقت اظهار نامه را میدهند عادل تک از مالیات قانونی که کمتر قلم داد کرده اند به عنوان جریمه اخذ خواهد شد.

پیشنهاد آقای اجاق در ذیل آن تبصره داده شود هیئت ممیزین رسیدگی دفتر از مایه بکنفر از طرف مالک دفتر ۵۰ ازدهات همان صفحه که خیره باشد تعیین شده حکمیت و تصدیق اکثریت رای ۳ نهار شرط باشد.

پیشنهاد آقای زحیم بنده پیشنهاد می کنم سیاست و مجازات امضاء کننده اظهار نامه که مفاد ماده ۶ شامل حال او میشود بر این میزان قرارداد شود که کلیه مخارج ممیزی را که وزارت مایه نسبت بآن عمل متحمل می شود شخص مسئول آید.

پیشنهاد آقای دامغانی بنده پیشنهاد می کنم (در ماده ۶) جریمه وقتی تعلق می گیرد که رسیدگی وزارت مایه در تحت نظریت یک یا چند نفری که حکمیت از مالک و مایه داشته باشند

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بود زیرا فرمایش ایشان لازم بحیث است سری که موی ندارد لازم بتراشیدن نیست خوبست ممیزی را واگذارند بمالکین که خود آنها با دولت قراری بدهند نه اینکه آنها را مجبور کنند و بنده این قسمت را من باب تذکر عرض کردم و بنده مالکین را بهترین اشخاص میدانم و خودم را راهم مکلف میدانم هر مالیاتی را که دولت معین کند دو برابر سه برابر هم معین کنند بپردازم و مطلع هستم و ملاکی را هم بهتر از بعضی کارهای بی شرفانه میدانم مقصود این تذکر بود.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - خواستم عرض کنم یک پیش نهادی شده بود راجع بقانون نظام اجباری

از برداشت اولین محصول تا پنج سال از تادیه مالیات متوجه در ماده یک معاف خواهد بود.

نایب رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای طهرانی (اجازه)

طهرانی - بنده هم عرضی ندارم.

نایب رئیس - آقای دامغانی (اجازه)

شریفتمدار دامغانی - عرضی ندارم.

(بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست)

نایب رئیس - پیش نهادت قرائت می شود.

(بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست)

پیشنهاد آقای مدرس - پیش نهاد می کنم ماده ششم بطریق ذیل نوشته شود:

اراضی و املاک پایره که بعد از اجرائی این قانون شروع به آبادی یا تعمیر آن ها می شود تا ممیزی جدید بنویسد مایه مالیات معذور در ماده اول معاف خواهد بود.

پیشنهاد شاهزاده محمد ولی میرزا پیش نهاد می کنم بجای ماده ۸ ماده ۹ لایحه ممیزی پیش نهادی کمیسیون دوره چهارم باشد.

نایب رئیس - پیش نهاد شده که جلسه ختم شود.

مخالفی نیست؟

جمعی از نمایندگان - خیر.

نایب رئیس - جلسه را ختم میکنم.

جلسه آتیه یکشنبه.

دستور بقیه شور در لایحه ممیزی آقای سردار هشایر.

سردار هشایر - عرض بنده راجع به جواب فرمایش آقای آقا سید یعقوب بود زیرا فرمایش ایشان لازم بحیث است سری که موی ندارد لازم بتراشیدن نیست خوبست ممیزی را واگذارند بمالکین که خود آنها با دولت قراری بدهند نه اینکه آنها را مجبور کنند و بنده این قسمت را من باب تذکر عرض کردم و بنده مالکین را بهترین اشخاص میدانم و خودم را راهم مکلف میدانم هر مالیاتی را که دولت معین کند دو برابر سه برابر هم معین کنند بپردازم و مطلع هستم و ملاکی را هم بهتر از بعضی کارهای بی شرفانه میدانم مقصود این تذکر بود.

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - خواستم عرض کنم یک پیش نهادی شده بود راجع بقانون نظام اجباری

طول میکشد

هشتاد و نهمه يك تصمیمی در باب تنفس بگیرند که این قدر طول نکشد و يك قسمت هم راجع بسوء تفاهمی که آقای سردار هشایر فرمودند.

عرض کنم که حقیقا از فرمایش ایشان تعجب کردم.

معلوم است اطلاق ایشان اخلاق شهری نیست بنده نخواستم به ایشان ایراد کرده باشم به آقای وکیل الملک عرض کردم که بنده ملک ندارم و ایشان ملک دارند و گمان نمیکنم که یک نامه این طور واقع بشود و آقای سردار سردار هشایر را متذکر میکنم که این جا مجلس شورای ملی است حرف زده می شود دعوا که با هم نداریم.

نایب رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - بنده پیش نهادی داده بودم به مقام محترم ریاست دائر به این که قانون نظام اجباری و قانون انجمن های بلدی جز معدود شود.

یک ماه دیگر بمر کمیسیون ها بیشتر باقی نماند و این قوانینی را که اعاء کمیسیون زحمت کشیده اند و حاضر کرده اند انصاف نیست از بین برود مرتبه کمیسیون هاتشکیل شود و از نو دوباره تجدید نظر کنند.

این است که استعفا بیکم آن پیش نهاد بنده خوانده شود.

نایب رئیس - چون عده برای رای کافی نیست می ماند برای بعد.

(مجلس ریاست بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی -

سهام السلطانه

منشی - علی اقبال المالک منشی معظم السلطان.

جلسه صدوسی و چهارم صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه یازدهم برج حوت ۱۳۰۴ مطابق پنجم شهر شعبان المعظم ۱۳۴۳

جلسه دو ساعت و ربع قبل از ظهر به ریاست آقای مومن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس روز قبل را آقای میرزا جوادخان قرائت نمودند)

رئیس - آقای قائم مقام الملک (اجازه)

قائم مقام الملک - بعد از تصویب صورت مجلس عرضی دارم.

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - در صورت مجازین نوشته شده که در ماده ششم بنده پیشنهاد کرده و عرض کردم من بعد حقایق گفته شده در این باره معائنات و تحقیقات

نشود

در صرر تیکه بنده مخالفتم از این راه بود که عرض کردم

این جریمه را اگر ازدهاتی که مالک در آنجا و قائم مقام نبود او باید دیگری اظهار نامه امضاء کرده است اگر از آن امضاء کننده میگیرند که او چیزی ندارد.

اگر هم از مالک میخواهند بگیرند در صورتیکه خود او نبوده و فرضاد شرع را بوده و ملک او در اصفهان بوده و سوالات اظهار نامه را هم او جواب ندهاده و امضاء کرده است

بر خلاف عدل است بنده عرض نکردم یک مقابل یا دو مقابل جریمه گرفته شود خوب است اصلاح شود که تولید اشکال نکند.

رئیس - همینطور که تقریر کردید اصلاح میشود.

دیگر در صورت مجلس اظهاری نیست؟

بعضی از نمایندگان خبر

رئیس - آقای قائم مقام الملک (اجازه)

قائم مقام الملک - اهالی گرگان رود تلگرافی میکنند بمجلس شورای ملی و از آقایان نمایندگان استعفا میکنند برای زحمتی که آنها وارد آمده است اخیرا گویا مایه در آنجا تصمیم گرفته است که از هر جریبی دو تومان از املاک گیلان بگیرند و راجع به این مسئله شاید در شهر رشت آنقدر ها اسباب زحمت باشد

ولی در اطراف رشت اسباب زحمت است.

چون آنجا هایلک جریب زمین بیش از پنج شش قوطی محصول نمیدهد ولی در رشت از بیست الی بیست و پنج قوطی شاید بیشتر هم محصول میدهد بنابراین استعفا کرده اند امرشود که با بطوری که معمول بوده و با بطور عشریه از آنها مالیات اخذ شود

و بنده هم خواستم نظریه آقایان را جلب کنم راستها کنم از طرف مجلس به وزارت مایه امر شود که با آنها بطوری که معمول بود رفتار کنند تا بعد مطابق هر قانونی که وضع شد با آنها معامله شود.

رئیس - آقای اشکر از آقای وزیر فواید عامه سؤالی داشتید بفرمائید.

اشکر - راجع به معدن فیروزه نیشابور - از قرائتیکه شهرت دارد در زمان استیضاح تا شانزده هزار تومان

این معدن هم در حال حاضر در دست دولت داده میشود حالا از قرار مسعود

هر یک دو تومان اجاره داده میشود و باقی

پیشنهاد می کنم که در ماده ششم بنده پیشنهاد کرده و عرض کردم من بعد حقایق گفته شده در این باره معائنات و تحقیقات

صحت دارد یا خیر و اگر صحیح است چه موجباتی باعث شده است که این کسر وارد شود.

بعلاوه در صورتیکه اجازه صحیح است و داده شده

چه شده است که اعلان مزایده راجع به این مسئله در جراید منتشر نشده است

وزیر فوائد عامه قبل از این که تفصیل مطالب را عرض کند ابتدا مجبورم نتیجه فرمایشات ایشان را تکذیب کنم

اولاً معدن اجازه داده نشده است تا نیا مزایده بعمل آمده است و بالتبع وقتی که معدن اجازه نشد دوازده تومانی هم در بین است اما تفصیل این معادن نیز به نیشابور و نیک امار و اول جوت هزار و سیصد نفایت پنجسال شمسی از قرار سالی دوازده هزار تومان بضانت آقای قائم مقام التوایه بهاج علی رضای تاجر فیروزه فروش اجازه داده شده است

در اوایل اسام مشارالیه بواسطه شکست قیمت فیروزه در بازارهای فرنگستان و مداخله وزارت چلیه

مالیه در عمل مالیات سرچاه معدن از عمل اجازه داری مستعمل گردیده و ضمان مشارالیه هم از ضمانت استفاده داده

در نتیجه شکایات مستاجر حسب الامر آقای رئیس الوزراء در بیست و نهم جوزا کمیسیونی در وزارت فوائد عامه تشکیل شده و نتیجه آن کمیسیون این شده است که استعای مستاجر از اول برج سنبله نیول شده است

معدن هم بزایده گذارده شده است اعلان مزایده هم شده است و قرار هم شده است که پس از آنکه معدن بزایده گذارده شد نتیجه مزایده به مستاجر سابق اطلاع داده شود

اگر خود او حاضر شد که همان اجازه را نانیچه مزایده قبول کند آنوقت باضافه کرده اجازه آن مدتی که معدن تعطیل بوده است و سرشکن کردن باسقاط اجازه بندی تازه بخود او گمار شود و اگر حاضر برای قبول اجازه نشد با توافق نظر وزارت مالیه راه حلی برای وصول مال اجازه مدت مزبور از آن مستاجر سابق پیدا کنند

از سر زده هم میزان هذا السنه اعلان مزایده منتشر شده است و بموجب تقاضای وزارت چلیه مالیه در اعلان مزایده قید شده است که مستاجری که پیدا خواهد شد برخلاف سابق حق مداخله در عمل مالیات سر معدن ندارد

نتیجه مزایده ایزده هزار تومان شده است

مطلب بهاجی علی رضای مستاجر سابق اخطار شده است مستاجر سابق برای قبول این اجازه در این مبلغ حاضر نشده است

مطلب تانیا بو وزارت مالیه مراجعه شده است و قرار شده است کمیسیونی با حضور نمایندگان وزارت مالیه و فوائد عامه تشکیل شود و راجع تقاضای مستاجر تصدیق اتخاذ بگردد آن کسی هم که در مزایده دارای حداکثر شده است فتح السلطنه همدانی است که در یازده هزار تومان طالب اجازه معدن فیروز نیشابور شده است

او هم فعلاً قبول نمی کند زیرا میگوید شرط حتمی اجازه این است که وصول مالیات سر معدن هم با مستاجر باشد و چون وزارت مالیه این شرط را قبول نمیکنند اما معدن تا امروز در حال بی تکلیفی است مستاجری هم ندارد و بکسی هم اجازه داده نشده است که در دوازده هزار تومان یا بیشتر واداره شده باشد

رئیس - آقای رهنما (اجازه)

رهنما - از موضوع پیشنهادی که آقای مسعود الملک راجع به راه بندر جزیره کرده اند غالب آقایان نمایندگان معترض مسوقند

این شخص با یک شوق زیادی برای گرفتن این امتیاز در دوره چهارم مجلس شورای ملی به تهران آمده است و پیشنهاد خودش را داده است بکمیسیون مربوطه هم رفته و بالاخره تمام مراحل را سیر کرده بود که مجلس چهارم مقصودش شد

در مجلس پنجم هم باز مدتی که در تهران بوده همین پیشنهاد را تقیب کرده است و از قرار معلوم گویا اهالی آنجا هم برای تشکیل شرکتی حاضر بوده اند که این راه را درست کنند و طریق حمل و نقل را در آنجا تسهیل نمایند

این مسئله بکمیسیون فوائد عامه آمد و ریوروت آنهم به مجلس شورای ملی داده شد بعد در این بین شنیده شد که یک قسمت نظریه در آن جلسه جلب شده است

مطابق کنترات آقای رئیس کل مالیه در این قبیل امتیازات البته باید با ایشان شور شود

در اینجا اظهار شد که شاید این قبیل شور بعمل نیامد و این لایحه و سایر اوایی از این قبیل است

است

بنا بر این بنده از آقای وزیر فوائد عامه استواری می کنم که اگر در این لایحه شور نشده است خوب است لایحه را بر رئیس کل مالیه بدهند تا جلب نظر ایشان شده بعد به مجلس بیاورند که دیگر معطلی نداشته باشد و مجلس هم بزودی این قضیه را حل کند و این شخص ایرانی که می خواهد یک امتیازی بگیرد بیش از دوسه سال معطل نشود و البته آقایان نمایندگان معترض هم راضی نخواهند شد که این شخص بیش از این معطل شود و اگر چنانچه با ایشان شور شده

است این راهم آقای وزیر فوائد عامه اظهار به دارند تا بالاخره مجلس در این قسمت وارد شده و روی این قضیه کار بکنند و تمام مردم را شوق کند که بروند کار بکنند

بعضی از نمایندگان - صحیح است

وزیر فوائد عامه - اگر چه تا بحال ما بین وزارت فوائد عامه و رئیس کل مالیه قراردادهایی که جریان کارها را ما بین وزارت فوائد عامه و مالیه تأمین کند نبوده است و فقط در چندین قبیل در نتیجه مطامعات طرفین یعنی بنده و ایشان موفق شدیم که بالاخره یک قرارداد را منعقد کنیم

کدر آن طرز جریان این قبیل مسائل قطعاً پیش بینی شده و بعدها دچار اشکال نشویم و مطالب منجر بیک سوء تفاهاتی نشود

در باب اصل این راه همانطور که آقای رهنما نمایند معترض بیان فرمودند این امتیاز در دوره چهارم از کمیسیون مربوطه گذشته است

ولی در اول دوره پنجم مجدداً برای مطالعه بوزارت فوائد عامه مراجعه شده است

یعنی در تاریخ چهاردهم حمل ۱۳۰۳ ریوروت کمیسیون فوائد عامه دوره چهارم تانیا مراجعه شد و اسباب وزارت فوائد عامه برای تجدید نظر مطالب در کمیته امتیازات نایبالتحت شور در آمده و یک معترض اصلاحاتی هم در آن لایحه اولی بعمل آمده است

در دوره سرطان ۱۳۰۳ در نعت ۲۱۱۷ مطلب برای جلب نظر آقای رئیس کل مالیه فرستاده شده است

ایشان هم در دهم سرطان ۱۳۰۳ جواب داده اند و در اعتراض بر این امتیاز کرده اند

اعتراض اولی ایشان این است که دادن این امتیاز منافی حق اسیوتی است که دادن در آن موقع بکمیانی یونی داده شده است

اعتراض ثانی ایشان این است که کلیتاً دادن امتیازات مخصوصاً امتیاز راه سازی به اشخاص متفرقه خوب نیست و بهتر این است که راهها را خود دولت بسازد

اعتراض اولی ایشان تا انتقضاء مدت اسیون کمیانی یونی کاملاً وارد بوده و صحیح هم هست

زیرا که دولت ایران در مقابل کمیانی یونی یک تقبلی کرده بوده بود که نمیتوانست برخلاف آن رفتار کند

ولی اعتراض دومی ایشان اعتراض نظری است ممکن است صحیح باشد و ممکن است صحیح نباشد

ولی راجع به قسمت اول همین جهت بود که تا مدت انتقضاء اسیون کمیانی یونی معطل در وزارت فوائد عامه مسکوت

هنه مانده است

بسیج افدای هم در باب تقیب مطلب و پیشنهاد کردن آن به مجلس شورای ملی نماید

تا این که آن قسمت اعتراض راجع به اسیون کمیانی یونی مرتفع شد

مطلب دوم بنی هم از مردان امتیازات راه سازی متفرقه این یک مطلبی است نظری و خود بنده هم در مواقع مختلفه برخیزم ساینده کان معترض رسانده ام که خود من هم کاملاً همین عقیده را دارم هستم و مخصوصاً در باب راههای اصلی اساساً در نظر دارم که بهترین شقوق اینست که دولت راه را بسازد چرا؟

برای اینکه واگذار کردن امتیازات راه سازی به اشخاص متفرقه یک عیب دارد و آن این است که حتی الامکان دولت باید سعی باشد که در راهها باج گرفته نشود و راهها از هر نوع تحجیلی آزاد باشد و از همین نقطه نظر است که در واگذاری راههای اصلی به اشخاص متفرقه باید خودداری کرد

مگر اینکه در امتیازات یک ماده قید شود که در هر موقع که دولت بخواهد حق باز خرید داشته باشد

ولی این راه را بنده جزو راههای اصلی میدانم و از طرف دیگر هم میدانم که دولت باین زودپها شاید موفق نشود که تمام راهها را خودش بسازد یا بنیجهت با دادن امتیاز ساختن این قبیل راهها به اشخاص متفرقه با معیوض ماندن حق باز خرید دولت موافقت نظر کل رئیس مالیه را مطلقاً در این باب تصدیق ندارم

از طرف دیگر مطابق ماده ششم قانون کنترات رئیس کل مالیه ایشان حق نظر در اعطای امتیازات دارند اما قسمت در کنترات ایشان قید شده است که نظر ایشان نظر شوری است ممکن است موافقت نداشته باشند در حال نظر ایشان شوری است

لذا بنده بعد از منفی شدن مدت اسیون کمیانی یونی خرد را ذیق دانستم که این امتیاز را تقدیم مجلس شورای ملی بکنم

این خلاصه تمام اقداماتی بوده که تا بحال بعمل آمده است حالا آری بنیجهت کافی است یا کافی نیست نمیدانم حقیقتاً اگر آقایان کافی میدانند که جزو دستور بگذارند

اگر هم کافی نمیدانند و لازم است که باز هم اقداماتی بشود آن قسمت راهم آقایان مختارند

برای اینکه از نقطه نظر بنده فرقی نمیکند زیرا که بای نچوکان حکایت و تفاوت قطعی در کارها با مجلس است در همین جهت است که لایحه به مجلس شورای ملی تقدیم

شده و البته مجلس شورای ملی در اتخاذ تصمیم قطعی مختار و مجاز است

رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - بنده در همین موضوع عرضی داشتم یک قسمت از عرض بنده را آقای وزیر فوائد عامه فرمودند

میخواستم عرض کنم مجلس شورای ملی خودش یک کمیسیونی انتخاب کرده است که اسمش کمیسیون اقتصادیات است و مدتی است در کارهای اقتصادی و عمومی کار میکند و با حضور آقای وزیر فوائد عامه شور کردند و بالاخره با اتفاق مصمم شدند و چنان بنظرشان آمد که مهم ترین چیزهای اقتصادی در ملک در درجه اول راه است

لذا قریب دو ماه است که در این باب کار میکنند و نقشه هائی هم حاضر کرده اند و تا هفته آتی امید است تمام شود و به مجلس شورای ملی پیشنهاد بشود یک جمله را میخواستم عرض کنم که نتیجه که در آن کمیسیون حاصل شده است نفی داده اند و اعتراض کرده اند باعث این شده که این کار معطل بماند و هیچ ربطی با ایشان ندارد و ایشان فقط نظرشان شوری است

لذا بنده شخصاً می خواهم عقیده ام را عرض کنم که هیچ صلاح نیست دولت و مجلس شورای ملی امتیاز راه بکسی بدهند که باج را از مردم بگیرند این در واقع یک موضوع داخلی است

مثل معدن مس با لفظ نیست یک کسی می خواهد یک راهی را بسازد و خرجی هم میکند و بعد باج میگیرد

لذا این قسمت برای ملک و مردم صلاح نیست که یک امتیازی در مدت مدیدی داده شود بکسی که فقط عایدات او از نقطه نظر باجی باشد که از مردم و محصولات ملکیتی گرفته میشود

(بعضی از نمایندگان - صحیح است)

یک قسمت دیگر ایشان فرمودند که شاید در بعضی راههای قریه دولت بزوری کامیاب نشود آنها را بسازد ولی اساساً عقیده بنده خوب است

آقایان تأمل فرمایند تا آن نقشه وسیع و عملی که بسیار مفید است و زحمت زائد آن کشیده شده است از طرف کمیسیون اقتصادیات تقدیم مجلس بشود بعد در این قبیل مطالب تصمیمی اتخاذ فرمایند نمی که آن را ایرت تقدیم شد

آقایان ملاحظه خواهند فرمود در زمانی که خیلی هم نیست اغلب راههای ملکیت توسط خود دولت با آسانی ساخته می شود

یک نکته دیگری که اشاره فرمودند این است که گاهی گفته میشود که چطور میشود یک امتیازی از مجلس می رود و چطور میشود که بتدریج می افتد شاید اینطور

بنظرشان می آید که چون باید بتصویب رئیس کل مالیه بر سه جلب نظریه ایشان اسباب توفیق کار میشود میخواستم عرض کنم

هیچ چیزی از حقیقت در این مسئله نیست چون همانطور که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند ایشان فقط نظر شوری دارند و نمیتوانند عقایدشان را از نقطه نظر کمک بدولت و مجلس شورای ملی اظهار کنند

ولی دولت آزاد است ممکن است قبول کند و ممکن است رد کند

علاوه بر این بموجب یک اطلاعی که بنده دارم گویا بن آقای وزیر فوائد عامه و رئیس کل مالیه قراردادی منعقد شده است که اصلاح امتیازات با هر چیزی که از طرف وزارت فوائد عامه برای جلب نظر رئیس کل مالیه فرستاده میشود ایشان بیشتر ز سر یا زنده روز یعنی دو هفته معطل نکنند و سر یا زنده روز ایشان مجبورند (یعنی تقبل کرده اند) که نفعاً یا اثباتاً جواب بدهند

در اینصورت نمی شود گفت که ایشان مدت زیادی معطل کرده اند یا اینکه چون جواب نفی داده اند و اعتراض کرده اند باعث این شده که این کار معطل بماند و هیچ ربطی با ایشان ندارد و ایشان فقط نظرشان شوری است

مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم این است که مجلس شورای ملی باید درست با تأمل و تعمق در این مسئله فکر کنند که آیا صلاح است امتیازی که در مقابل منفعتش فقط باج راه است بدهد یا نه و بهترین است که قدری تأمل شود تا آن لایحه کلی از طرف کمیسیون اقتصادیات به مجلس بیاید بعد اگر خواستند امتیازی بکسی بدهند بدهند

رئیس - آقای شرکشیک زاده (اجازه)

شرکشیک زاده بنده باید یک قسمت از مایشات آقایان را اولاً طرز مذاکراتی که در مجلس شده است

بنظر بنده برخلاف نظامنامه است برای اینکه یکی از نمایندگان از وزیر فوائد عامه سؤالی کردند ایشان هم جوابی دادند حالا که نباشد ایشان فرمایشاتی فرمایند

بنده هم اجازه می خواهم عرض کنم اگر بنا است که ماهر طرح قانونی که در کمیسیون تحت شور و مطامعه است مانع بعد در این قبیل مطالب تصمیمی اتخاذ فرمایند نمی که آن را ایرت تقدیم شد

آقایان ملاحظه خواهند فرمود در زمانی که خیلی هم نیست اغلب راههای ملکیت توسط خود دولت با آسانی ساخته می شود

یک نکته دیگری که اشاره فرمودند این است که گاهی گفته میشود که چطور میشود یک امتیازی از مجلس می رود و چطور میشود که بتدریج می افتد شاید اینطور

کمیسیون اقتصادیات مشغول تهیه یک نقشه وسیع و عملی است ولی هنوز ریوروت آن که داده نشده و بنده هم در ریوروتی که میچند داده بود بنده هم که ذکر می آید بنده جزو نمایندگان که مسعود الملک امتیاز آنرا میخواهد شده باشد بنابراین بنده تصور میکنم بهتر این است مجلس شورای ملی راجع باین امتیاز مذاکره اش را بکند و امتیازش را بدهد کمیسیون اقتصادیات هم در موقع ریوروت خودش را بدهد

بعضی از نمایندگان - وارد دستور بشویم

رئیس - وارد دستور می شویم

لایحه قانون میزبی از ماده نهم مطرح است

آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - همانطور که آنروز هم عرض کردم لایحه میزبی اساساً عبارت از دو ماده است ماده اول و ماده دوم بانی دیگرش دستور اجرا است

در اینجا اول چیزی که باید عرض کنم و شاید فراموش شود این است که کلمه مراغ و مواشی اصلاً قاطع است مراغ جمع مرغی است و اطلاق باین موضوع نمیشود بهتر این است بجای مراغ و مواشی بنویسند اغنام و دواب یا اغنام و مواشی این یک مطلب دیگر است که در اینجا در تقسیم بندی که کرده است بنویسد

شتر علاوه بر سه سال دوازده قران مادیان علاوه بر سه سال پنج قران بنده هر چه از اشخاصی که در این قسمت ها اطلاعات کافی دارند سؤال کردم که این چه تناسبی است که در نظر گرفته اند جواب قانع کننده به بنده نتوانستند بدهند و در واقع اینجا به عقیده بنده تناسب معکوس است که در نظر گرفته اند و طریق هدایت این بود که مادیان را می نوشتند دوازده قران چون شتر هر دو سال سه سال یک مرتبه میزاید ولی مادیان هر سال میزاید و چه می دهد باین حال شتر را نوشته اند دوازده قران و مادیان را پنج قران این را بنده ملتفت نشدم که از روی چه اساسی در نظر گرفته اند

بعد در اینجا مالیات اسب و قاطر و الاغ را هم ضمیمه میکنند اگر چه در تبصره یک نوشته شده است که مالیات فوق الذکر بچواتانی تعلق می گیرد که در شهرها نواقل مهیا نمیشوند

ولی بنده تصور میکنم که این اسب و الاغی که مالز آنها مالیات میگیریم هر ماه در موقع ورود و خروج شهرها و قصبهات مالیات نواقل راهم می دهند و این مالیات دوسه مقابل میشود وقتی همین تبصره تولید اشکال میکند بین مالیات بده و مالیات بگیر کی این موضوع را تفکیک میکنند

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

۹۳۹

بنظرشان می آید که چون باید بتصویب رئیس کل مالیه بر سه جلب نظریه ایشان اسباب توفیق کار میشود میخواستم عرض کنم

هیچ چیزی از حقیقت در این مسئله نیست چون همانطور که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند ایشان فقط نظر شوری دارند و نمیتوانند عقایدشان را از نقطه نظر کمک بدولت و مجلس شورای ملی اظهار کنند

ولی دولت آزاد است ممکن است قبول کند و ممکن است رد کند

علاوه بر این بموجب یک اطلاعی که بنده دارم گویا بن آقای وزیر فوائد عامه و رئیس کل مالیه قراردادی منعقد شده است که اصلاح امتیازات با هر چیزی که از طرف وزارت فوائد عامه برای جلب نظر رئیس کل مالیه فرستاده میشود ایشان بیشتر ز سر یا زنده روز یعنی دو هفته معطل نکنند و سر یا زنده روز ایشان مجبورند (یعنی تقبل کرده اند) که نفعاً یا اثباتاً جواب بدهند

در اینصورت نمی شود گفت که ایشان مدت زیادی معطل کرده اند یا اینکه چون جواب نفی داده اند و اعتراض کرده اند باعث این شده که این کار معطل بماند و هیچ ربطی با ایشان ندارد و ایشان فقط نظرشان شوری است

مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم این است که مجلس شورای ملی باید درست با تأمل و تعمق در این مسئله فکر کنند که آیا صلاح است امتیازی که در مقابل منفعتش فقط باج راه است بدهد یا نه و بهترین است که قدری تأمل شود تا آن لایحه کلی از طرف کمیسیون اقتصادیات به مجلس بیاید بعد اگر خواستند امتیازی بکسی بدهند بدهند

رئیس - آقای شرکشیک زاده (اجازه)

شرکشیک زاده بنده باید یک قسمت از مایشات آقایان را اولاً طرز مذاکراتی که در مجلس شده است

بنظر بنده برخلاف نظامنامه است برای اینکه یکی از نمایندگان از وزیر فوائد عامه سؤالی کردند ایشان هم جوابی دادند حالا که نباشد ایشان فرمایشاتی فرمایند

بنده هم اجازه می خواهم عرض کنم اگر بنا است که ماهر طرح قانونی که در کمیسیون تحت شور و مطامعه است مانع بعد در این قبیل مطالب تصمیمی اتخاذ فرمایند نمی که آن را ایرت تقدیم شد

آقایان ملاحظه خواهند فرمود در زمانی که خیلی هم نیست اغلب راههای ملکیت توسط خود دولت با آسانی ساخته می شود

یک نکته دیگری که اشاره فرمودند این است که گاهی گفته میشود که چطور میشود یک امتیازی از مجلس می رود و چطور میشود که بتدریج می افتد شاید اینطور

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

۹۳۹

بنظرشان می آید که چون باید بتصویب رئیس کل مالیه بر سه جلب نظریه ایشان اسباب توفیق کار میشود میخواستم عرض کنم

هیچ چیزی از حقیقت در این مسئله نیست چون همانطور که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند ایشان فقط نظر شوری دارند و نمیتوانند عقایدشان را از نقطه نظر کمک بدولت و مجلس شورای ملی اظهار کنند

ولی دولت آزاد است ممکن است قبول کند و ممکن است رد کند

علاوه بر این بموجب یک اطلاعی که بنده دارم گویا بن آقای وزیر فوائد عامه و رئیس کل مالیه قراردادی منعقد شده است که اصلاح امتیازات با هر چیزی که از طرف وزارت فوائد عامه برای جلب نظر رئیس کل مالیه فرستاده میشود ایشان بیشتر ز سر یا زنده روز یعنی دو هفته معطل نکنند و سر یا زنده روز ایشان مجبورند (یعنی تقبل کرده اند) که نفعاً یا اثباتاً جواب بدهند

در اینصورت نمی شود گفت که ایشان مدت زیادی معطل کرده اند یا اینکه چون جواب نفی داده اند و اعتراض کرده اند باعث این شده که این کار معطل بماند و هیچ ربطی با ایشان ندارد و ایشان فقط نظرشان شوری است

مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم این است که مجلس شورای ملی باید درست با تأمل و تعمق در این مسئله فکر کنند که آیا صلاح است امتیازی که در مقابل منفعتش فقط باج راه است بدهد یا نه و بهترین است که قدری تأمل شود تا آن لایحه کلی از طرف کمیسیون اقتصادیات به مجلس بیاید بعد اگر خواستند امتیازی بکسی بدهند بدهند

رئیس - آقای شرکشیک زاده (اجازه)

شرکشیک زاده بنده باید یک قسمت از مایشات آقایان را اولاً طرز مذاکراتی که در مجلس شده است

بنظر بنده برخلاف نظامنامه است برای اینکه یکی از نمایندگان از وزیر فوائد عامه سؤالی کردند ایشان هم جوابی دادند حالا که نباشد ایشان فرمایشاتی فرمایند

بنده هم اجازه می خواهم عرض کنم اگر بنا است که ماهر طرح قانونی که در کمیسیون تحت شور و مطامعه است مانع بعد در این قبیل مطالب تصمیمی اتخاذ فرمایند نمی که آن را ایرت تقدیم شد

آقایان ملاحظه خواهند فرمود در زمانی که خیلی هم نیست اغلب راههای ملکیت توسط خود دولت با آسانی ساخته می شود

یک نکته دیگری که اشاره فرمودند این است که گاهی گفته میشود که چطور میشود یک امتیازی از مجلس می رود و چطور میشود که بتدریج می افتد شاید اینطور

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

۹۳۹

بنظرشان می آید که چون باید بتصویب رئیس کل مالیه بر سه جلب نظریه ایشان اسباب توفیق کار میشود میخواستم عرض کنم

هیچ چیزی از حقیقت در این مسئله نیست چون همانطور که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند ایشان فقط نظر شوری دارند و نمیتوانند عقایدشان را از نقطه نظر کمک بدولت و مجلس شورای ملی اظهار کنند

ولی دولت آزاد است ممکن است قبول کند و ممکن است رد کند

علاوه بر این بموجب یک اطلاعی که بنده دارم گویا بن آقای وزیر فوائد عامه و رئیس کل مالیه قراردادی منعقد شده است که اصلاح امتیازات با هر چیزی که از طرف وزارت فوائد عامه برای جلب نظر رئیس کل مالیه فرستاده میشود ایشان بیشتر ز سر یا زنده روز یعنی دو هفته معطل نکنند و سر یا زنده روز ایشان مجبورند (یعنی تقبل کرده اند) که نفعاً یا اثباتاً جواب بدهند

در اینصورت نمی شود گفت که ایشان مدت زیادی معطل کرده اند یا اینکه چون جواب نفی داده اند و اعتراض کرده اند باعث این شده که این کار معطل بماند و هیچ ربطی با ایشان ندارد و ایشان فقط نظرشان شوری است

مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم این است که مجلس شورای ملی باید درست با تأمل و تعمق در این مسئله فکر کنند که آیا صلاح است امتیازی که در مقابل منفعتش فقط باج راه است بدهد یا نه و بهترین است که قدری تأمل شود تا آن لایحه کلی از طرف کمیسیون اقتصادیات به مجلس بیاید بعد اگر خواستند امتیازی بکسی بدهند بدهند

رئیس - آقای شرکشیک زاده (اجازه)

شرکشیک زاده بنده باید یک قسمت از مایشات آقایان را اولاً طرز مذاکراتی که در مجلس شده است

بنظر بنده برخلاف نظامنامه است برای اینکه یکی از نمایندگان از وزیر فوائد عامه سؤالی کردند ایشان هم جوابی دادند حالا که نباشد ایشان فرمایشاتی فرمایند

بنده هم اجازه می خواهم عرض کنم اگر بنا است که ماهر طرح قانونی که در کمیسیون تحت شور و مطامعه است مانع بعد در این قبیل مطالب تصمیمی اتخاذ فرمایند نمی که آن را ایرت تقدیم شد

آقایان ملاحظه خواهند فرمود در زمانی که خیلی هم نیست اغلب راههای ملکیت توسط خود دولت با آسانی ساخته می شود

یک نکته دیگری که اشاره فرمودند این است که گاهی گفته میشود که چطور میشود یک امتیازی از مجلس می رود و چطور میشود که بتدریج می افتد شاید اینطور

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

۹۳۹

بنظرشان می آید که چون باید بتصویب رئیس کل مالیه بر سه جلب نظریه ایشان اسباب توفیق کار میشود میخواستم عرض کنم

هیچ چیزی از حقیقت در این مسئله نیست چون همانطور که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند ایشان فقط نظر شوری دارند و نمیتوانند عقایدشان را از نقطه نظر کمک بدولت و مجلس شورای ملی اظهار کنند

ولی دولت آزاد است ممکن است قبول کند و ممکن است رد کند

علاوه بر این بموجب یک اطلاعی که بنده دارم گویا بن آقای وزیر فوائد عامه و رئیس کل مالیه قراردادی منعقد شده است که اصلاح امتیازات با هر چیزی که از طرف وزارت فوائد عامه برای جلب نظر رئیس کل مالیه فرستاده میشود ایشان بیشتر ز سر یا زنده روز یعنی دو هفته معطل نکنند و سر یا زنده روز ایشان مجبورند (یعنی تقبل کرده اند) که نفعاً یا اثباتاً جواب بدهند

در اینصورت نمی شود گفت که ایشان مدت زیادی معطل کرده اند یا اینکه چون جواب نفی داده اند و اعتراض کرده اند باعث این شده که این کار معطل بماند و هیچ ربطی با ایشان ندارد و ایشان فقط نظرشان شوری است

مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم این است که مجلس شورای ملی باید درست با تأمل و تعمق در این مسئله فکر کنند که آیا صلاح است امتیازی که در مقابل منفعتش فقط باج راه است بدهد یا نه و بهترین است که قدری تأمل شود تا آن لایحه کلی از طرف کمیسیون اقتصادیات به مجلس بیاید بعد اگر خواستند امتیازی بکسی بدهند بدهند

رئیس - آقای شرکشیک زاده (اجازه)

شرکشیک زاده بنده باید یک قسمت از مایشات آقایان را اولاً طرز مذاکراتی که در مجلس شده است

بنظر بنده برخلاف نظامنامه است برای اینکه یکی از نمایندگان از وزیر فوائد عامه سؤالی کردند ایشان هم جوابی دادند حالا که نباشد ایشان فرمایشاتی فرمایند

بنده هم اجازه می خواهم عرض کنم اگر بنا است که ماهر طرح قانونی که در کمیسیون تحت شور و مطامعه است مانع بعد در این قبیل مطالب تصمیمی اتخاذ فرمایند نمی که آن را ایرت تقدیم شد

آقایان ملاحظه خواهند فرمود در زمانی که خیلی هم نیست اغلب راههای ملکیت توسط خود دولت با آسانی ساخته می شود

یک نکته دیگری که اشاره فرمودند این است که گاهی گفته میشود که چطور میشود یک امتیازی از مجلس می رود و چطور میشود که بتدریج می افتد شاید اینطور

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

۹۳۹

بنظرشان می آید که چون باید بتصویب رئیس کل مالیه بر سه جلب نظریه ایشان اسباب توفیق کار میشود میخواستم عرض کنم

هیچ چیزی از حقیقت در این مسئله نیست چون همانطور که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند ایشان فقط نظر شوری دارند و نمیتوانند عقایدشان را از نقطه نظر کمک بدولت و مجلس شورای ملی اظهار کنند

ولی دولت آزاد است ممکن است قبول کند و ممکن است رد کند

علاوه بر این بموجب یک اطلاعی که بنده دارم گویا بن آقای وزیر فوائد عامه و رئیس کل مالیه قراردادی منعقد شده است که اصلاح امتیازات با هر چیزی که از طرف وزارت فوائد عامه برای جلب نظر رئیس کل مالیه فرستاده میشود ایشان بیشتر ز سر یا زنده روز یعنی دو هفته معطل نکنند و سر یا زنده روز ایشان مجبورند (یعنی تقبل کرده اند) که نفعاً یا اثباتاً جواب بدهند

در اینصورت نمی شود گفت که ایشان مدت زیادی معطل کرده اند یا اینکه چون جواب نفی داده اند و اعتراض کرده اند باعث این شده که این کار معطل بماند و هیچ ربطی با ایشان ندارد و ایشان فقط نظرشان شوری است

مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم این است که مجلس شورای ملی باید درست با تأمل و تعمق در این مسئله فکر کنند که آیا صلاح است امتیازی که در مقابل منفعتش فقط باج راه است بدهد یا نه و بهترین است که قدری تأمل شود تا آن لایحه کلی از طرف کمیسیون اقتصادیات به مجلس بیاید بعد اگر خواستند امتیازی بکسی بدهند بدهند

رئیس - آقای شرکشیک زاده (اجازه)

شرکشیک زاده بنده باید یک قسمت از مایشات آقایان را اولاً طرز مذاکراتی که در مجلس شده است

بنظر بنده برخلاف نظامنامه است برای اینکه یکی از نمایندگان از وزیر فوائد عامه سؤالی کردند ایشان هم جوابی دادند حالا که نباشد ایشان فرمایشاتی فرمایند

بنده هم اجازه می خواهم عرض کنم اگر بنا است که ماهر طرح قانونی که در کمیسیون تحت شور و مطامعه است مانع بعد در این قبیل مطالب تصمیمی اتخاذ فرمایند نمی که آن را ایرت تقدیم شد

آقایان ملاحظه خواهند فرمود در زمانی که خیلی هم نیست اغلب راههای ملکیت توسط خود دولت با آسانی ساخته می شود

یک نکته دیگری که اشاره فرمودند این است که گاهی گفته میشود که چطور میشود یک امتیازی از مجلس می رود و چطور میشود که بتدریج می افتد شاید اینطور

شرش است
 گر هم بگویم کدره وقع هر فروشی
 باید در شهر یا جاهای دیگر با داره مالیه
 خیر بدهد و در آنجا ها دفاتر و ادارات
 مالیه تشکیل شود بالاخره نتیجه این میشود
 که در هر یک از قراء و قصبات و دهات يك
 دفتر سجل احوال برای گوسفند باز شود
 و این بالطبع غیر ممکن است .
 بنده هر چه فکر کردم در پنجسال
 نفهیدم چه مقصود است نمی گویم نگیرند
 البته باید بگیرند
 ولی عرض میکنم چهار سال دیگر
 را از کی میگیرند؟
 این اشکال برای خود بنده وارد
 است .
 واقعا اگر آقایان از بنده سوال کنند
 که چه باید کرد هر چه فکر کردم مقام
 بهائی نرسید که چه باید کرد از آنطرف
 هم اگر بگویم هر سال این مالیات را روند
 بگیرند البته این اشکال وارد نخواهد بود
 زیرا ممکن است هر سال برون آبی
 اغنام را احرام آورده را احصایه بکنند و
 مالیات از او بگیرند
 ولی این مسئله هم مستلزم يك خرج
 زیادی است برای دولت که هر سال دسته
 بدسته مأمورین مالیه توی آبادی ها بروند
 و میزبانی و احصایه حیوانات را بکنند .
 البته این هم مستلزم خرج زیادی برای
 دولت است و هم اسباب اشکال است برای
 رعیت که هر سال دسته بدسته توی آبادی
 بروند .
شیروانی - پس نگیرند .
وکیل الملک - عقیده شخص بنده
 این است .
 (مدینطور که آقای شیروانی فرمودند
 پس نگیرند)
 عقیده شخص بنده این است که نگیرند
 نه اینکه عرض کنم این رعیت بکتران
 برای يك گوسفند بدهد اشکال دارد خیر
 اشکالی ندارد
 اگر چه گوسفند هم داشتند قران داد
 هیچ اشکالی نیست ولی بنده بعضی چیزها
 بترجمه برآیم ثابت شده
 (امیدوارم در آتی با جدیت مسیون
 محترم آمریکایی این ترتیبات مرتفع شود)
 و تا بحال خیلی از آنها هم رفع شده است و آن
 این است که بنده می بینم بر یک رعیتی يك
 عوارضی وارد شده مأمور از طرف مالیه می
 رود و خیلی بیشتر از آنچه باید از او بگیرد
 یعنی دوسه مقابل از رعیت میگیرند بنده
 جرات نمیکنم عرض کنم عرض کنم ده
 مقابل ولی دوسه مقابل حتماً برایش تمام
 می شود
 علاوه اگر عرض کنم این مالیات را
 نگیرند ضرری بنده با آقای شیروانی نمی
 رسد
 نظرم این است که امروز ملاحظه

طهران را بکنند که در توی دست ویای
 مردم چهارتا اسکناس بانک هست در ابالات
 و ولایات مخصوصاً در دهات جنسی مسکوک
 اقی نمائند است از کردستان بن کافذ نوشته
 اند .
 يك رعیتی که سه تومان مالیات پایش
 بوده نتوانسته بدهد
 مأمور زنده است و بمأمور گفته است
 گاو میخواستی الاغ میخواستی حاضر است
 روغن و کشك میخواستی حاضر است ولی
 پول ندارم
 این را بنده یقیناً و بدون تردید عرض
 کردم و عقیده بنده این است که این لایحه
 لایحه میزبانی آب و خاک است خوب است اقلاً
 يك سال مالیات اغنام واحشام نرجه بدهیم
 اولاً به بینم کبیه مالیات املاک چقدر میشود
 ثانیاً بالطبع انتظام مالیه روز بروز بیشتر
 میشود و کفتری از حالا بهتر می شود و
 همانطور که عرض کردم بزرگترین مانع
 که امروز هست
 کم بودن پول است چون این مالیات
 را از روی اصول اسلامی هم نکرده است که
 بگویند همین گوسفند یا شتر را بدهند و این
 بواسطه نبودن پول است مخصوصاً در دهات
 سرحدی که جنس مسکوک تا باب است عقیده
 بنده این است که برای اینکه احتراز از این
 اشکالات بشود
 اولاً در طرف يك سال مهلت بدهند
 شاید يك قدری فقر اقتصادی این مملکت
 بر طرف شود پولی هم توی دست و پا
 بیفتد و ثانیاً يك تضمینی از عایدات آب و
 زمین هم دست ما آمده باشد و ثالثاً ممکن
 است قانون احصایه و خیلی چیزهای دیگر
 که نوشته اند و مربوط با این میزبانی است از
 مجلس بگذرد
 بعد بر اینکار يك ترتیبی داده شود
 لهذا اگر عقیده خودم را میخواهد این
 است که این مالیات
 گرفته نشود .
 ولی از آنطرف بنده خیلی منکر
 نیستم اگر مجلس و دولت اصرار داشت
 که این مالیات را بگیرند بترتیبی گرفت
 که اشکال وارد نشود و اگر پنج سال پنج سال
 بخواهند این مالیات را بگیرند هیچ ممکن
 نیست
 زیرا همانطور که عرض کردم مثلاً
 اگر در سال اول در يك آبادی یا نصف
 گوسفند بود پنججاه تومان گرفته میشود
 است بعد از دو ماه تمام این گوسفند
 ها بفروش رفته باشد و سال دیگر يك
 گوسفند در آنجا نباشد آنوقت از کی
 خواهند گرفت و متشواش کیست؟
 اگر هم بگویم یکسال بیکسال البته
 اشکال اولی مدافع میشود ولی از آنطرف
 دو عیب پیدا میکند یکی با وضع حالیه که
 در هر آبادی در اول سال یکدسته از مأمورین
 با يك دسته از قشون از خانه بخواه بروند

برای رعیت اسباب زحمت است و دیگر
 اینکه برای دولت خرج فوق العاده بیش
 می آید .
 بنده برای تذکر عرض کردم که
 آقایان نمایندگان مخصوصاً کمیسیون
 قوانین مالیه این موضوع را در نظر
 بگیرند و فکری در شورد دوم برای این
 کار بکنند .
 گرچه بنده بیشتر از آن می خواستم
 عرض کنم و یاد داشت های دیگری هم
 کرده بودم ولی چون می بینم آقایان
 دیگر می خواهند در این ماده اظهار عقیده
 بکنند .
 لهذا بنده بیشتر از این تصدیح نخواهم
 داد و امیدوارم اگر اشکالات دیگری
 هم دارد آقایان در نظر بگیرند و اصلاح
 بکنند .
 رئیس شاهزاده محمدولی میرزا
 (اجازه)
 (حاضر بودند)
 شیروانی - موافق باید حرف بزنند
 بنده موافقم .
 رئیس - در کلیات نوشته آید .
 آقای عماد السلطنه
 (اجازه)
 عماد السلطنه - بنده خودم هم با این
 قانون موافق نیستم و انتظار هم این است
 که پس از اینکه پیشنهادات در شورد
 اول داده شد در کمیسیون برای شورد يك
 مواد مرتبی حاضر بشود که رفع نگرانی
 قالب آقایان بشود .
 یک نفر از نمایندگان انشاالله
 عماد السلطنه - ولی اتفاقاً با این ماده
 موافقم و در این يك ماده در کمیسیون
 خیلی دقت شد حالا راجع با اعتراضی که
 آقای وکیل الملک فرمودند يك قسمت
 اصلاح عبارتی بود راجع بر اع و
 چراگاه .
 این يك حرفی است ولی راجع بمقایسه
 هائی که فرمودند وارد نیست
 شتر را با مادیان بهیچوجه من الوجوه
 نمی شود مقایسه کرد برای اینکه مادیان يك
 معارجی دارد که شتر آن معارج را ندارد
 هایدی شتر و مادیان راهم باز نمی شود طرف
 مقایسه قرار داد .
 يك قسمت ایراد اساسی آقای
 وکیل الملک راجع با این بود که بعد از آنکه
 میزبانی کردیم اگر اتفاقاً سال بعد الملک این
 گوسفند ها را فروخت .
 یا اینکه فاقد آن گوسفند شد تکلیف
 چیست .
 این اعتراض تا درجه وارد است
 ولی از آنطرف هم ممکن است بکفتری
 که با نقد گوسفند داشته باشد در سال پنجم
 با نقد گوسفندش لااقل دوهزار تا میشود
 این هم هست پس این را نمیتوان يك ترتیبی
 شتر ماده زائیده و قران مادیان زائیده

پنجم قران .
 تبصره اول - الکلین حیوانات از پرداخت
 مالیات صده حیوانات ذیل معافند
 گاو گاو میش زائیده برای يك خانواده
 دوتفر - بز و میش زائیده پنج نفر
 تبصره دوم - آقای وکیل الملک توجه
 بفرمائید
 کیفیت مالیات حیوانات شتر مادیان
 بز و میش گاو و گاو میش در وقت میزبانی
 و گرفتن هر ساله نسبت به حیوانات فوق و
 مالکین در هر دهی و قریه و طایفه جمعی
 خواهد بود نه فردی .
 عرض کنم خدمت آقایان اولاً تأمل
 بفرمائید فلسفه مالیات از عایدات است
 (بعضی از نمایندگان صحیح است)
 بز و میش که مالیات میدهد برای
 هایدی است عایدی یعنی میزبانی چه
 دارد شیر میدهد اگر نر باشد و زائیده باید
 مالیات بدهد چون بز است ؟
 (خنده نمایندگان)
 همینطور شتر
 شتر هائی هستند که بار کشند و هرگز
 نمی آیند حکم بز نر را ندارند
 اگر فلسفه شما مالیات بر عایدات است
 حساب بفرمائید چه چیز هائی عایدی دارد
 شتر نر عایداتش این است که بار میکشد
 ولی نواقل میدهد و هیچ ربطی به مسئله
 مالیات ندارد .
 اما شتر ماده عایدی اش به کره اش
 است که دو سال یکدیده میزبانی یعنی سه
 سال که میکند آبتن میشود سال چهارم
 میزبانی بعد یکسال نمیزبانی یکسال دیگر
 میزبانی .
 این بهای که میزبانی تا سه سال شود
 اصلاً نشود بارش کرد و دوساله که شد
 متها ده تومان یا پانزده تومان یا بیست
 و مان میارزد
 ده يك هم که مالیات بندهید هر سالی
 میشود یک تومان .
 زیرا هر دوسال يك کره میدهد
 شیر شتر که در ایران نمیخورند پنجم
 غیر از سال اول سال دیگر هم نمیدهد مگر
 سال پنجم و چهارم آنهم بقدر هارش بیشتر
 نمیشود .
 پس شتر ماده که فقط دوسال یکدیده
 يك بهیچ میزبانی دوساله که شد بیست تومان
 میارزد سالی یکتوان .
 ده تا گوسفند هم همین فلسفه را دارد .
 یعنی يك ستر مطابق ده گوسفند است
 مادیان هم شیرش را نمیخورند
 مداخلش کره اش است .
 یا قاطر میزبانی یا یابو یا اسب .
 سال اول که زائیده شد پنج تومان
 بیشتر میارزد .
 سه سال که گذشت میفرشند بیست
 تومان بقدر پنج تا گوسفند یعنی پنجقرانهم

مالیات میدهد . اینهم مادیان .
 اما اسب چرا مالیات بدهد .
 پس عسای من را هم مالیات بندند
 چون بان تکیه میکنم اسب را هم چون
 پدرشکه می بندند یا بارش میکنند یا یکی
 از مادیان اتفاق سوارش میشود .
 آخر اسب چه حساب مالیات بدهد ؟
 پس فلسفه را تغییر بدهید و بگوئید هر چه می
 چسبند مالیات بدهد و لکن وقتی مالیات بر
 عایدات است بهیچ حساب مالیات بدهد ؟
 در هیچ عسیره است مالیات ندارد .
 (آقای صوت الدوله و صوت السلطنه
 اهل عشیره هستند بفرمائید)
 اسب مالیات ندارد .
 آقای صوت الدوله شاید بدهد ولی
 ولی فلسفه خودشان تصدیق دارند که اسب
 مالیات ندارد .
صوت الدوله - خیر ندارد
مدرس و آنچه مداخل ندارد مالیات
 ندارد .
 اسب یا یابو یا قاطر را یا بار می کنند
 یا پدرشکه می بندند یا سوار میشوند
 منافع و مداخلی ندارد و از لوازم
 زندگی است فلسفه ندارد مالیات گرفتن از
 اسب الاغ در ایران چه محل اعزایی دارد ؟
 بفرمائید ؟
 الاغ اسباب رعیتی است .
 در مملکت ایران که ماشین نیست
 اسباب رعیتی است چه ماده اش چه
 نوش .
 هر کس يك تکه ملك -
 دارد يك الاغ نگاه میدارد که خاک بگشند
 یا باوردا از توی خرمن بیآورد توی ده و اگر
 چهار باردار است با اتفاقاً اسباب هم دارد و
 با آن بار میکشد
 آنوقت عوضش مالیات نواقل میدهد
 معادل قیمت خودش نواقل میدهد دیگر چرا
 مالیات بدهد ؟ اینهم فلسفه ندارد .
 بنفیده من اگر آقایان اینرا قبول
 دارند که مالیات را میخواهند از عایدات
 بگیرند
 (عرض کردم یکدیده يك فلسفه دیگر
 میفرمائید ماحرفی نداریم)
 اما آن ربطی باین موضوع و این نظری
 که آقایان دارند و میخواهند این قانون را از
 روی عدالت درست کنند ندارد .
 این است که شتر زائیده یعنی سال سوم
 آبتن می شود و وقتی که زائیده که چهار
 سالی تمام است باید مالیات بدهد شتر نر
 که هرگز نمیزباید
 یا آن بز که ذاتاً قصر است نباید مالیات
 بدهد .
 لهذا بنده در این ماده مالیات را اختصاص
 دادم بشتر ماده زائیده و مادیان زائیده مادیان
 خیلی قصر دارد و مادیان خصوصاً از ماده تمام
 حیوانات بیشتر قصر دارد شاید ازده تا مادیان
 چهار تا پش ذاتاً قصر باشد و خیلی هم در سوار
 ی

مرغوبند .
 لکن جنش اینطور بوده است این
 چرا مالیات بدهد ؟
 همینقدر که داده شد باید مالیات
 بدهد ؟
 اینکه نمیزاید مثل اسب است مداخل
 ندارد دلیلش چیست که مالیات بدهد و
 همچنین بز و میش زائیده گاو و گاو میش
 زائیده .
 توی قانون گاو میش ندارد و اینرا به
 وضوح وا گذارده اند ولی در ایران دوسه
 قطعه اش هست که گاو میش زیاد دارد آن هم
 ملحق بگاو است
 و این ملحق هم که معین شده است گمان
 میکنم خارج از عدالت نیست که شتر یک تومان
 یعنی مطابق ده گوسفند باشد
 مادیان هم پنج قران که پنج گوسفند
 باشد .
 بز و میش هم یکی و اما در نظر بعضی
 هست که میش و بز فرق دارد
 بله مرتعی که قشقای دارد هم قابل بز
 است و هم قابل میش فرق نمیکند
 اما قطعات ایران مختلف است بعضی
 جاها می شود بز نگاه داشت میش نمیشود
 بعضی جاها میش می شود نگاه داشت بجهت
 اینکه میش لطیف تر است و نگاه دارش
 سخت تر است و بز نمی شود نگاه داشت فرق
 گذاشتن آن اسباب - زحمت میشود
 در بلوچستان (از کرمانیه میبرسم)
 میش دارند ؟
سردار نصرت - خیر
مدرس - درمازندران نه بز دارند
 نه میش
 يك چیز هائی دارند که میانه حال است
 نه بز است نه میش میش
 یکجا مرغ دارند
 جاهای ایران مختلف است و نباید فرق
 گذازد یا بملاحظه مجموع من حیث المجموع
 را کرد
 يك جایی است که بز هم بقدر میش
 مداخل دارد چرا ؟
 برای اینکه هوای آنجا مساعد است و
 لذا بنده
 فرق نگذاشتم و گمان میکنم آقایان
 اعضاء کمیسیون حتی آقای عماد السلطنه
 تأمل بفرمائید
 که یک نفر سهولتی هم در کار هست و نباید
 در مالیات نظر انداخت که در وقت میزبانی و
 در وقت گرفتن مالیات سهولت در کنار
 باشد .
 آقای عماد السلطنه میفرمائید زود
 خبر بایم نه بدهد
 زود زود يك شعری در قرارداد گفته
 بودند بی مناسبت نیست . قرارداد حتماً
 این شبانان گرك ترا بر گنه همسان می کنند
 هر روز خبر بایم مالیه بدهند بیا و ببین و
 پشدار و پشدار و پشدار

اگر بخواهند يك امینی از مالیه بیاروند و
 تحقیق کنند زحمت و مقدمات هم برآمورد
 دولت و هم بر صاحبان آنها طوری است که آن
 شخص اصلاً نرسیده مالیات را میدهد و واضی
 نمی شود که بیایند تحقیق نمایند که پول قفتیش
 بدهد و معارج مسافرت راهم بدهد برای این
 که چهار تا بز و سه رده
 طریق گرفتن مالیات و میزبانی چه در
 املاک وجه در حیوانات يك قسمتی باشد که
 سهل باشد
 لهذا بنده يك تبصره اینجا عرض
 کردم این راهم عرض میکنم که در کمیسیون
 ملتفت بشوند .
 عقیده من در حیوانات نسبت با این پنج
 قسم شتر .
 مادیان . گاو . بز و میش جمعی است نه
 فردی یعنی نسبت با مالکین جمعی است .
 نه فردی یعنی نسبت با مالکین جمعی
 است نه فردی یعنی چه؟ یعنی می آیم توی
 این ده می گوئیم آقا شتر مالیات بدهد چند
 تا دارد ؟
 من میزبانی کرده ام توی ده میگویم شتر
 ماده که میزبانی چند تا دارد ؟
 ده تا . مادیان چند تا دارد؟ پنج تا . گاو
 چند تا دارد ؟
 هشت تا . گوسفند چند تا؟ صد تا . اینها را
 می شمارم سر جمع را معین می کنم که این
 ده صد تومان مالیات مواشی است . مفتش
 این را توی دفتر می نویسد و
 میرود .
 سال دیگر که تحصیل دار میآید صد
 تومان مالیات حیوانات می خواهد در این
 ده گوسفند هایشان مرده است .
 مثلاً شتر آقای وکیل الملک مرده است
 یکی مادیانش عوض شده یکی گاویش زیاد
 شده .
 اینها تغییر و تبدیل میکنند در این
 صورت اگر بطوری که آقایان میگویند
 باسم مالک شخصی نوشته شود همیشه نامه اش
 در درس و زحمت است و ممرات .
 اما من ده تا شتر داشتم ده تومان یا
 چهار تا مادیان دیگری صد گوسفند داشتم
 ده تومان .
 مثلاً روی هم رفته بیست و پنج تومان
 مالیات ده آقای ضیاء الملک است آنوقت
 یکسال که گذشت شتر رفت و هزار گوسفند
 زیاد شد با زهان است یا فرضاً هزار تا
 گوسفند یا رسال داشتم گوسفندی بکتران
 می افتاده امسال زیاد شده گوسفندی نهصد
 دینار می افتد کمتر شده گوسفندی یکریال
 میشود نامیزی جدید .
 يك ماده هم در این قانون دارد که اگر
 عده آنها بنصف رسید آنوقت چون ضرر
 ضرر فاش است باید اطلاع داد
 و متحمل خسارت مالیه شد چون ضرر عده
 رسیده است .
 اما تا ضرر عده نرسیده ترفی کند

صد تومان است و تنزل هم کند همان صد تومان است بگوشت ممکن است گوسفندی خیلی زیاد بشود شاید گوسفندی ده شاهی بشود و شاید خدای نخواست بگذرد از گوسفند بمرود و گوسفندی سی شاهی بشود باینکه بر عهده کارگاه افزوده شود.

بسی این مالیات جمعی خواهد بود نسبت به عیوانات و نسبت به اهله عرض کردم این هجرت معنایش این است که اگر خواستند رد کنند دانسته رد کنند.

کفایت مالیات حیوانات در وقت ممیزی و گرفتن هر ساله نسبت به حیوانات فوق الذکر و مالکین در هر محل و قریه و طبایف جمعی خواهد بود نه فردی مثل آنرا بشود بفرمائید که رفتند و ایل قشاقی را که ده تیره است ممیزی کردند مالیات آن سالی بیست هزار تومان شد آنوقت تیره به تیره ممیزی می کنند.

مثلا رفتند تیره دره شوری راه ببری کردند و پنج هزار تومان مالیات آنها شد سال دیگر آقای صولت الدوله محصل میفرستند که پنج هزار تومان را بدهید.

شاید بار سال که ممیزی کردند من صاحب هزار گوسفند بودم و اسامی صدتای آن مرد و نهصد رأس شد باینکه دیگر هزار تا داشته و هزار دو سوت تا شده یکی صد بز داشته یکی گوسفند داشته یکی شترش زیاد شده و گوسفندش کم شده است محصل آنها می گوید من پنج هزار تومان را می خواهم آنوقت که خدا وریش سفید آن می نشیند مطابق این قانون سهم بندی میکنند.

ممکن است یکسال به شتری نه نفران یا هشت نفران مالیات بیفتد و یکسال دوازده نفران بیفتد این همین طور است تا ممیزی جدید آید اگر بخواهند نسبت به مالکی فردی بگیرند آنوقت همانطور که خراسانی ها میگویند آنوقت همانطور که

شیراز رئیس - استغفران بولی است.

مدرس - بلی استغفران بولی میشود و شاید اصلش اینطور بوده است که یک کسی بگوفتی گوسفندی داشته است ولی حال اینکه دوز است میگویند مالیات گوسفند را بده میگویند باین من بینه دوزم جواب میدهند که جدت در وقت ممیزی گوسفند داشته است.

بنده متقدم که برای جلوگیری از این زحمت مالیات نسبت به عیوانات جمعی باشد یعنی شتر و گوسفند و مادریان و گاو تمام آنها روی هم باشد نسبت به مالکین هر دهی هم جمعی باشد نه فردی. این است عرایض من.

حالا که کمیسیون آنها را محل توجه قرار دادند همی سعادت بنده و اگر محل توجه قرار دادند که هیچ.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است. رئیس - پیشنهادها قرائت میشود. (بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده نهم را باین نحو پیشنهاد میکنند که مالیات مراعی و مواشی بقرار ذیل تعاقب میگردد. شتر علاوه بر سه سال ده قران. مادریان و اسب و قاطر سه قران رگوسفند بز و میش علاوه بر یک سال ده شاهی الاغ یک قران گاو شیرده دو قران و هر دو تبصره حذف شود.

پیشنهاد آقای آقا میرزا جوادخان - بنده پیشنهاد میکنم ماده دهم باین ترتیب اصلاح شود. مالیاتی که مطابق مواد این قانون برای هر ملک تشخیص داده می شود تا ده سال مدرک قانونی مالیات خواهد بود.

پیشنهاد آقای یاسانی - بنده اصلاح ماده دهم را بنحوی ذیل پیشنهاد میکنم. ماده دهم - مالیاتی که مطابق مواد این قانون برای هر ملک تشخیص داده میشود مادامیکه تجدید نظر در این قانون نشده مدرک قانونی مالیات خواهد بود.

پیشنهاد آقای معرس - پیشنهاد می کنند. در ماده دهم بجای ده سال نوشته شود.

پیشنهاد آقای مدبر الملک - بنده پیشنهاد میکنم مدت ممیزی در ماده ده بیست سال باشد.

پیشنهاد آقای میرزا بدالله خان بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم کلمه پنج سال حذف و بیست سال نوشته شود.

پیشنهاد آقای وکیل الملک - پیشنهاد می کنم در ماده دهم بجای پنج سال نوشته شود.

پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس - پیشنهاد می کنم در مواشی چهار سال و در املاک هفت سال نوشته شود.

آقایان آقا سید یعقوب و آقا سید محبی الدین - بنده پیشنهاد میکنم در ماده دهم اصلاح شود.

مالیات زراعت و جنگل و مراتع ده سال و نسبت به عیوانات مالیات جمعی مختص ایلات پنج سال یعنی سال تجدید می شود. رئیس - ماده دهم (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۱ - در موقع بروز آفت بملک یا محصول یا حیوان میری که در نتیجه میزان آن تعلق میگردد معادل با بیش از نصف میزان مشخصه دچار خسارت شود وزارت مالیه میتواند بنسبت خسارت وارده از مالیات تخفیف دهد.

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه) وکیل الملک - در این ماده نوشته شده است و نسبت به خسارت و تخفیف بدهد معنایش این است که اگر دلتش نخواست ندهد. دیگر اینکه نوشته شده است در موقع بروز آفت بملک یا محصول یا حیوان میری که در نتیجه آن میزان عایدی که مالیات بر آن تعلق میگردد معادل با بیش از نصف شد آنوقت مالک حق دارد تقاضای ممیزی کند و اداره مالیه هم مکلف است که آنرا باز بداند.

پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب - در قانون معاسبات عمومی نوشته شده است: کسی که مالیاتی را بگیرد اینکه قانونی برایش وضع شده باشد در حکم معنای اموال دولت محسوب است در اینجا متنبوسد (بدون اجازه وزارت مالیه) مقصود از این اجازه چیست.

اگر مقصود مأمورین وزارت مالیه که اجازه اخذ مالیات را دارند و همچو چیزی سابقه ندارد که مادر قانون ممیزی این مطالب را بشوریم.

بنابر این بنده این ماده را از این میدانم و باید نوشته شود که برخلاف قانون مالیات نگیند زیرا اگر وزارت مالیه اجازه داد مالیات خلاف قانونی گرفته شود یا میتواند بگیرند؟ بنابر این بنده این ماده را در اینجا زیاد میدانم.

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است) رئیس - پیشنهادی است قرائت می شود.

(بترتیب ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوازدهم در این نوع اصلاح شود: بدون اجازه وزارت مالیه.

رئیس - ماده سیزدهم (باین مضمون قرائت شد) ماده ۱۳ هر ملک که مطابق مواد این قانون میرد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارض که معسر محال طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است.

پیشنهاد آقای شیخ محمد علی تهرانی - پیشنهاد میکنم معادل با بیش از نصف تبدیل شود معادل با بیش از ثلث. پیشنهاد آقای الموتی - بنده پیشنهاد می نمایم در ماده ۱۱ بجای کلمه میتواند نوشته شود وزارت مالیه مکلف است الی آخر.

رئیس - ماده دوازدهم (بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۱۲ بدون اجازه صریح وزارت مالیه احدی نمیتواند بوصول مالیات اقدام نماید.

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه) وکیل الملک - عرضی ندارم. رئیس - آقای ضیاء الملک (اجازه) ضیاء الملک - بنده در ماده ۱۳ اجازه خواستام.

رئیس - آقای حائری زاده - عرضی ندارم. رئیس - مخالفی ندارد؟ آقا سیدی مخالفین خوانده میشود. آقای یاسانی. رئیس - عرضی ندارم. رئیس - آقای صولت السلطنه عرضی ندارم. رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - معلوم میشود کافی است - پیشنهادها قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای یاسانی - ماده ۱۳ را بنحو ذیل اصلاح میکنم در هر ملک که مطابق این قانون مالیات میرد از اهالی آن از پرداخت مالیات سرشماری (سرانه) و خانواری و سایر مالیاتها و عوارضی که مصرحاً بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است معاف میباشد.

پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال هرملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میرد از کلیه عوارضات معاف است.

پیشنهاد آقای امیر حشمت - بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه خانواری سرباز بنبچه نوشته شود.

پیشنهاد آقای مدرس - پیشنهاد میکنم در ماده سیزدهم بطریق ذیل نوشته شود: هر آبرو منکی الی آخر.

پیشنهاد آقای مشیر مظم - بنده پیشنهاد میکنم ماده سیزدهم بطریق ذیل نوشته شود: هر ملک که مطابق مواد این قانون مالیات میرد از مالیات سرانه و خانواری و میرایی و مالیات نقد و جنس که بعنوان حق آب رودخانه و سایر عوارض که مصرحاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است.

پیشنهاد آقا شیخ هادی شیخ الرئیس - بنده پیشنهاد میکنم کلمه مصرحاً از ماده سیزدهم حذف شود.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم که ماده سیزدهم این نوع اصلاح شود: هر ملک که مطابق مواد این قانون مصوبه مجلس مالیات میرد از کلیه مالیات بهر اسم که باشد معاف است.

رئیس - اجازه میفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود. (در این موقع جلسه برای نقش تعطیل و پس از نسیاعت مجدداً تشکیل گردید) رئیس - ماده چهارده قرائت می شود.

(بشرح آتی خوانده شد) ماده چهاردهم - در صورتیکه اعتباری در بودجه وزارت مالیه موجود باشد باین که اعتبار مخصوصی از طرف مجلس شورای ملی از عواید جاری تصویب شود اجرای این قانون در ظرف ۳ ماه از تاریخ تصویب شروع خواهد شد.

در صورت موجود نبودن اعتبار یا عدم تصویب اعتبار مخصوص وزارت مالیه اجازه دارد شروع با اجرای مواد فوق نموده و شصت هزار تومان از محل اضافه عایداتی که بر اثر اجرای مواد این قانون پیش بینی میشود در این اداره مصرف نماید.

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه) وکیل الملک - بنده این ماده را اصلاح می نمایم چون اگر ما بخواهیم در تمام مملکت ممیزی عمومی بکنیم شصت هزار تومان که سهل است صد هزار تومان هم کافی نیست و اگر هم برای آزمایش بخواهند یک قطعه مملکت را امتحان کنند آنوقت معلوم نیست که چه اندازه مصرف می شود بلکه باید محل آنرا در نظر بگیرند و هر اندازه که لازم است مصرف کنند در لایحه مخصوصی از مجلس اعتبار آن را تقاضا نمایند.

بملازمه هیچ معمول نبوده است که در آخر قوانین برای اجرای آن وجهی معین کنند بلکه معمول اینطور بوده است که هر موقع دولت میخواهد قانونی را موقع اجرا بگذارد هر قدر اعتبار لازم دارد بگذارد مجلس پیشنهاد میکند.

رئیس - آقای سهام السلطان مخالفم. پیشنهاد آقای وکیل الملک کافی است.

رئیس - پیشنهادها قرائت می شود. (بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد آقای میرزا جواد خان بنده پیشنهاد میکنم ماده چهارده این طور نوشته شود.

ماده چهاردهم وزارت مالیه مکلف است در ظرف چهار ماه از تاریخ تصویب این قانون مقاد آنرا بوضع اجرا بگذارد و برای اجرای آن هر مبلغ اعتباری لازم باشد مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد.

پیشنهاد آقای وکیل الملک پیشنهادی کنم ماده چهاردهم حذف شود.

رئیس - ماده پانزدهم (بشرح ذیل خوانده شد) ماده پانزدهم - وزارت مالیه مأمور اجرای این قانون و تهیه و اجرای نظامنامه مربوطه بآن است.

رئیس - مخالفی ندارد. آقای آقا سید یعقوب (اجازه) آقای آقا سید یعقوب - بنده نظر باین که نظامنامه اجرای قانون تجدید اسباب زحمت فوق العاده شده است مخالفم باینکه نظامنامه اجرای این قانون را وزارت مالیه تهیه نماید و پیشنهاد میکنم که نظامنامه آن را

مجلس بیاورند که بکمیسیون قوانین مالیه رجوع شود. رئیس - آقای روحی (اجازه) روحی - نوشتن نظامنامه از مختصات دولت است و بملازمه در اجرائیات ماحق مداخله نداریم بلکه اجرائیات بدولت است و همین قدر که مواد نظامنامه راهبست دولت تصویب کند بعقیده بنده کافی است (بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - پیشنهادی از طرف شاهزاده محمد ولی میرزا رسیده است قرائت می شود.

بنده پیشنهاد میکنم مواد ذیل از لایحه پیشنهادی کمیسیون دوره چهارم بلائحه حاضر ضمیمه شود.

ماده ۲-۵-۷-۱۰-۱۶-۱۸-۱۹-۲۰-۲۱-۲۳-۲۴-۲۵ و فقره سوم از ماده اول رئیس - شود اول این لایحه تمام شد.

رای میگیریم برای اینکه شور دوم بشود یا نه آقا باینکه تصویب میکنند شور دوم بشود قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد.

چند فقره پیشنهاد راجع بدستور امروز رسیده است قرائت میشود و رای میگیریم (بشرح ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای وکیل الملک پیشنهادی کنم بعد از شور اول قانون ممیزی لایحه اوزان مقادیر که فقط سه ماده از شور تانی مانده مطرح شود.

پیشنهاد آقا شیخ جلال تقاضا میکنم که قانون نظام اجباری مطرح شود.

پیشنهاد آقای سلطان العلماء خوب است تقاضا فرمائید خبر کمیسیون معارف راجع بصنایع مستقره جزو دستور شود.

سلطان العلماء - بنده پیشنهاد نکرده ام. پیشنهاد آقای حاج میرزا عبدالرهاب پیشنهاد مینماید که بعد از ختم شور اول لایحه ممیزی قانون نظام اجباری مطرح بشود.

رئیس - آقای اعتبار الدوله - برای امروز است شبه است. اعتبار الدوله - برای امروز است. رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای وکیل الملک دامغانی - بنده مخالفم. رئیس - بفرمائید شریعتدار دامغانی - لایحه امتیاز بندر جز قیلاخو دستور بوده و چند ماده آهم گذشته است بعد هم آقای یاسانی پیشنهاد کردند

پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب - در قانون معاسبات عمومی نوشته شده است: کسی که مالیاتی را بگیرد اینکه قانونی برایش وضع شده باشد در حکم معنای اموال دولت محسوب است در اینجا متنبوسد (بدون اجازه وزارت مالیه) مقصود از این اجازه چیست.

اگر مقصود مأمورین وزارت مالیه که اجازه اخذ مالیات را دارند و همچو چیزی سابقه ندارد که مادر قانون ممیزی این مطالب را بشوریم.

بنابر این بنده این ماده را از این میدانم و باید نوشته شود که برخلاف قانون مالیات نگیند زیرا اگر وزارت مالیه اجازه داد مالیات خلاف قانونی گرفته شود یا میتواند بگیرند؟ بنابر این بنده این ماده را در اینجا زیاد میدانم.

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است) رئیس - پیشنهادی است قرائت می شود.

(بترتیب ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوازدهم در این نوع اصلاح شود: بدون اجازه وزارت مالیه.

پیشنهاد آقای شیخ محمد علی تهرانی - پیشنهاد میکنم معادل با بیش از نصف تبدیل شود معادل با بیش از ثلث. پیشنهاد آقای الموتی - بنده پیشنهاد می نمایم در ماده ۱۱ بجای کلمه میتواند نوشته شود وزارت مالیه مکلف است الی آخر.

رئیس - ماده دوازدهم (بشرح ذیل خوانده شد) ماده ۱۲ بدون اجازه صریح وزارت مالیه احدی نمیتواند بوصول مالیات اقدام نماید.

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه) وکیل الملک - عرضی ندارم. رئیس - آقای ضیاء الملک (اجازه) ضیاء الملک - بنده در ماده ۱۳ اجازه خواستام.

رئیس - آقای حائری زاده - عرضی ندارم. رئیس - مخالفی ندارد؟ آقا سیدی مخالفین خوانده میشود. آقای یاسانی. رئیس - عرضی ندارم. رئیس - آقای صولت السلطنه عرضی ندارم. رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - معلوم میشود کافی است - پیشنهادها قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای یاسانی - ماده ۱۳ را بنحو ذیل اصلاح میکنم در هر ملک که مطابق این قانون مالیات میرد از اهالی آن از پرداخت مالیات سرشماری (سرانه) و خانواری و سایر مالیاتها و عوارضی که مصرحاً بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است معاف میباشد.

که بعد از رایحه میزی جزو دستور بشود
 پیشنهاد ایشان تصویب شد.
 و در معظور هم که برای این امتیاز فرض
 میشد.
 یکی اعتراض دکتر میلسو که بالاخره
 معلوم شد از نظر ایشان گذشته و معلوم نمائید
 ایشان در تمام مدت جریان این امتیاز در
 وزارت فواید عامه بوده است.
 دیگر اینکه آقای تقی زاده فرمودند
 که کمیسیون اقتصادیات مجلس در نظر
 دارد که همه راهها را توسط خود دولت
 اصلاح کند.
 بنده تصور می کنم آن نقشه وسیعی
 را که کمیسیون اقتصادیات در نظر دارد بزودی
 عملی بشود
 و عملی تر این است که همین امتیازی
 که به مجلس آمده و در چند ماده اش هم شور
 شده جریان پیدا کند و اگر آقایان توجه
 داشته باشند باینکه این راه چه قدر با دست
 و اصلاح این راه برای اقتصادیات یک قسمت
 بزرگی از این مملکت مقدمه اثر است تصدیق
 میفرمایند که مهمترین موضوعی که جزه
 دستور میتواند بشود
 همین موضوع امتیاز راه بندر جز
 است.
 و اینکه فرمودند باید از آن مزاحم و لوات
 است همینطور است لیکن پس از آنکه
 ملاحظه کنند که چقدر بسیار این سخت می
 گذرد که
 حاضران با جزه پنج مقابل افزوده شود و
 راه درست بشود.
 همینطور چه قدر برای تجارت نافع است
 زیرا بندر جز دروازه روسیه و تجارت آن
 قسمت است.
 و گمان میکنم اصلاح این راه کمک
 با اقتصادیات است و مجلس هم تصویب کرده
 بود که بعد از رایحه میزی جزه دستور شود
 باین جهت است که بنده هم پیشنهاد کردم
 رایحه امتیاز راه دامغان و بندر جز جزو
 دستور شود
 رئیس - پیشنهاد شده است جلسه
 ختم شود
بعضی از نمایندگان - مخالفین
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - آقایان اگر یک تری توجه
 بفرمایند که ما چقدر کار در دستور داریم و همه
 همینطور روی هم مانده
 گمان میکنم که کارشوند افلاورزی
 سه ساعت کار کنند این پیشنهاد آقای وکیل -
 الملک بقدر همین نطق آقای شریعتدار
 کار داشت فقط رای دادن بدو ماده است و
 بنده پیشنهاد میکنم
 پیشنهاد آقای وکیل الملک رای گرفته
 شود و این دو ماده تمام شود بلکه یک قانونی
 از این مجلس بگذرد
 رئیس - مزای میگیریم بیستم جلسه

آقایانی که موافقت فرمایند
 (ممدودی برخاستند)
 رئیس - تصویب نشد.
 رای میگیریم پیشنهاد آقای وکیل -
 الملک آقایانی که موافقت فرمایند
 (اکثر قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت
 می شود.
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی
 مملکت ایران از تاریخ اعلان این قانون از
 طرف دولت مطابق اصول متر می باشد و از
 روی متر و کیلو گرام و لیتر کمیسیون بین المللی
 ذیل است:
 گرمساری بیکمتر
 درم مساری بیک گرام
 بیانه مساری بیکلیتر
 اضعاف و اجزای این مقیاسها نیز که
 در جدول شماره ۱ منضم این قانون مصرح
 است رسمی و لازم الرعایه می باشد
 رئیس - آقای هرمزی
 (اجازه)
 هرمزی - عرضی ندارم
 رئیس - آقای اشکر
 عرضی ندارم
 رئیس - آقای دستغیب
 عرضی ندارم
 رئیس - آقای سلطان العلماء
 عرضی ندارم
 رئیس - آقای تدین
 (اجازه)
 تدین - در جدول شماره ۱ راجع به ماده
 اول دو قسمت مقیاسهای حجم در اجزاء
 می نویسد:
 گرمساری مساری با یک دسی متر
 و بهر مگمب مساری با یک سانتی متر
 مگمب است
 ولی برای یک میلی مگمب در اینجا
 چیزی منظور نشده است
 در مواقعی هم که شور در این ماده بود
 بنده پیشنهاد کردم همینطور که در هر یک
 از مقیاسهای طول و سطح سه جزء گره و
 شده اند در اجزاء حجم هم سه جزء گره و
 بهر موم رعایت شود و نوشته شود:
 گرمساری مساری با یک دسی متر
 مگمب
 و بهر مگمب مساری است با یک سانتی متر
 مگمب
 و موی مگمب مساری با یک میلی مگمب
 مگمب
 اینها از نقطه نظر علمی و از نقطه نظر
 اساسی خوبست و چون اینها یک اصولی
 است که باید معمول شود و از فراری هم که
 شنیده ام گویا کمیسیون هم قبول کرده است
 و ظاهر آن در طبع افتاده است

رهنما (مخبر کمیسیون فواید عامه)
 همین طور که آقای تدین فرمودند در کمیسیون
 هم تصویب شده است و گویا در طبع از نظر
 افتاده است.
 رئیس - تصویب شد.
 ماده اول با اصلاحی که شده قرائت
 می شود.
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده اول - اوزان و مقیاسهای رسمی
 مملکت ایران از تاریخ اعلان این قانون از
 طرف دولت مطابق اصول متر می باشد و از
 روی متر و کیلو گرام و لیتر کمیسیون بین المللی
 متر تنظیم یافته و واحد آنها از فرار ذیل
 خواهد بود
 گرمساری بیکمتر
 درم مساری بیک گرام
 بیانه مساری بیکلیتر
 موی مگمب مساری بیک میلی متر
 مگمب
 اضعاف و اجزای این مقیاسها نیز که
 در جدول شماره ۱ منضم این قانون مصرح است
 رسمی و لازم الرعایه میباشد
 رئیس - (خطاب به آقای رهنما) صحیح
 است آقایان؟
رهنما - عرض میکنم که در این قسمت
 که باو تقدیر می شود و باید بجای اوزان
 موازین استعمال کنند یعنی چیزی که با اوزان
 میکنند و اوزان و مقادیر مناسبتی ندارد و باید
 موازین و مقادیر نوشته شود
 رئیس - خوب ماده سوم مطرح می
 شود تا این پیشنهاد را تکمیل کنید
 (ماده سوم اینطور قرائت شد)
 ماده سوم - هر کس حق دارد اوزان
 و مقیاسهایی بر طبق این قانون تهیه نماید
 ولی قبل از آنکه آنها را بمرض فروش
 در آورده یا برای تجارت و کسب بکار برد
 باید آن اوزان و مقیاسها را تصدیق دولت
 رسانیده و علامت رسمی در روی آن نقش
 شود و الا قلاب شناخته خواهد شد
 رئیس - مخالفی ندارد.
 (اظهاری نشد)
 رای می گیریم باین ماده با تبدیل
 اوزان به موازین
صدر الاسلام - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید
صدر الاسلام - اینکه آقای دامغانی
 فرمودند:
 اوزان جمع وزن است و مقادیر جمع
 مقدار و باید اوزان را تبدیل به موازین
 نمایند.
 گمان می کنم صحیح نباشد برای این
 که موازین اسم آلت است و ما می خواهیم
 تعیین وزن آنها بکنیم نه تعیین قیام و ترازو
 بلکه می خواهیم وزنهای مختلفی که در
 ایران معمول است و اسباب زحمت و مشکلات
 شده است آنها را یکی کنیم بنابراین باید
 اوزان گفت نه موازین
 (جمعی از نمایندگان - صحیح است)
 رئیس - پس رای می گیریم ماده

و یا کاروانسرا و یا کارخانجات و تجارتخانه ها
 و غیره دارای اوزان و مقیاسهای قلب بوده
 و یا بوسیله آلات تقیاب وزن و کیل نمایند و
 اندازه بگیرند علاوه بر ضبط آن آلات از
 سه روز تا یک ماه بجهت تأدیبی مطابق تشخیص
 محکمه محکوم خواهند شد
رئیس - آقای هرمزی
 (اجازه)
هرمزی - عرضی ندارم
رئیس - آقای اشکر
 (اجازه)
اشکر - در شور اول هم در این ماده
 مذاکره شد و این عبارتش بعقیده بنده
 خوب نیست و از روی ندارد که گفته شود
 کلیه تجاره کسبه - فایاندها و بجای این
 عبارات طولی ممکن بود نوشته شود که
 (اشخاصیکه) و این کافی بود.
 علاوه در اینجا نوشته شده است این
 اشخاص (اگر دارای اوزان و مقیاسهای قلب
 بوده و یا بوسیله آلات تقیاب وزن و کیل
 نمایند) در این قسمت آخرش بنده هم موافقت
 شونده و داشتن آلات تقیاب نباید باعث
 مجازات شود.
 شاید یک کسی یک سنگ پنج من
 یا ده من در یک مکانی داشته باشد و میل
 نداشته باشد بپردازد دور و بخواهد آن را
 نگاهدارد عملی ندارد که او را مجازات
 کنند.
 بنده عقیده ام این است که قسمت دارای
 مقیاسهای قلب بوده حذف شود زیرا اگر
 کسی بوسیله آلات تقیاب وزن کیل نماید
 البته مجازات میشود.
 و علاوه می نویسد علاوه از ضبط آن
 آلات سه روز تا یک ماه بجهت تأدیبی مطابق
 تشخیص محکمه خواهد شد.
 بنده نمی دانم این محکمه کدام
 محکمه است؟
 در یکدیگی توسط مأمور دولت یک
 آلات تقیاب کشف شد آنوقت این را بکدام
 محکمه میراند؟
 و باید این هم معین باشد که این
 محکمه محکمه اداری خواهد بود یا محکمه
 مدلیه یا محکمه شرعیه کدام از اینها خواهد
 بود؟
 و بنده گمان میکنم اگر توضیح داده
 شود بهتر است.
مخبر - در این سمت در رفته دوم
 که این رایحه مطرح بود این قبیل مذاکرات
 کاملاً بعمل آمده که اشخاصی ممکن است
 یک سنگهای قلبی داشته باشند و توسط آنها
 معامله نکنند.
 در این صورت چرا باید آنها مجازات
 داشته باشند؟
 بنده هم عرض کردم و باز تکرار میکنم
 که این سنگها یک چیز قیمتی نیست
 اگر سنگ است که قیمتی ندارد و صاحب

آنهم داهی ندارد آن سنگ تقیاب را در
 توی اسباب خودش نگاهدارد.
 اگر آهن است و قیمتی دارد می برد
 می دهد با دانه مربوطه و از همان سنگها
 میگیرد و قیمتش هم با او مساویست.
 والا در این قسمت اگر ما اجازه بدهیم
 در این که در توی این اوزان تقیاب هم باشد
 ممکن است در مواقعی که یک نفر کیل می -
 کند او را هم استعمال کند و بگوید اشتباه
 شده است.
 عملی حال نماینده محترم آیا معتقد
 هستند که باید این اوزان برداشته شود و
 متحدالشکل شود یا خیر؟
 علاوه تاجر هم اصرار ندارد یک
 سنگ غیر معمولی را در دکان خودش نگاه
 دارد.
جمعی از نمایندگان - مذاکرات
 کافی است.
 (بعضی گفتند - کافی نیست)
رئیس - آقایان یک مذاکرات را کافی
 میدانند قیام فرمایند.
 (جمع کثیری قیام نمودند)
رئیس - اکثریت است - پیشنهاد آقای
 کازرونی (بشرح ذیل قرائت شد)
 این طور نوشته شود:
 کسانیکه بوسیله آلات تقیاب وزن
 و کیل نمایند الی آخر.
رئیس - بفرمائید
کازرونی - اگر چه مطالبی که لازم
 بود گفته شد عقیده بنده این است که داشتن
 آلات تقیاب سبب نمیشود که دارند در مجازات
 کنند آقایان بایستی در نظر بگیرند وضعیت
 ایران و مردمان دهانی و صحرائی را
 اینها ممکن است یک سنگها و کیلهایی
 برای وزن کردن و کیل کردن داشته
 باشند.
 و اشخاصی هم که مأمور اجرای این
 قانون هستند ممکن است آن سنگها را هم
 اعم از اینکه آهنی باشد یا همین سنگها
 باشد.
 به همین جهت آنها را در فشار گذار
 و بگویند در خانه شما این سنگ تقیاب برای
 چه آمده؟
 حالا در صورتیکه توسط این آلت
 چیزی وزن نموده بنده دلیلی برایش نیبینم
 که مجازات شود.
رئیس - آقایان یک این پیشنهاد را
 قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
 (عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
 پیشنهاد آقای اشکر هم ضمناً رد شد
 پیشنهاد آقای قائم مقام
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیش نهاد می کنم که لفظ و غیره
 از ماده ۵ حذف شود.

هیچکس نمی تواند خود بخود بی اشخاص
 مختلف برود و اسباب زحمت شود
 لهذا تصور میکنم در اینجا لفظ و غیره
 کافی است و باید شامل همه جا هم بشود
 و چون آن پیشنهاد آقای قائم مقام در
 کمیسیون مورد قبول بیجا نکرد
 بنا بر این تقاضا میکنم از ایشان که
 این موضوع را چندان توسعه ندهند و
 و تمیق نفرمایند.
رئیس - آقایان یک اصلاح آقای قائم
 مقام را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.
 (عده کثیری برخاستند)
رئیس - قابل قبول توجه شد
 در این اصلاح رای قطعی میتوانیم
 بگیریم ولی پیشنهاد دیگری رسیده است
 تکلیف او هم معلوم شود بعد رای قطعی
 میگیریم.
 پیشنهاد شاهزاده شیخ رئیس
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم موضوع و غیره در ماده
 پنجم و امثال آن نوشته شود.
محمد شام میرزا
رئیس - بفرمائید
محمد شام میرزا بنده در حذف
 و غیره یک معایبی می بینم ممکن است که
 اسباب اشکال بشود.
 زیرا تقریباً از این چند نفر اگر
 کسی سنگ تقیاب درست کند
 این قانون شامل او نمی شود و این
 ترتیب بعقیده بنده خوب نیست و بالاخره
 قانون بایستی هم واضح باشد و هم در موقع
 عمل اسباب اشکال نشود
 بلی لفظ و غیره یک تفری توسعه
 داشت و ممکن بود اسباب زحمت شود
 بنابراین بعقیده بنده لفظ (و امثال
 آنها) عیبی ندارد و اگر نوشته نشود
 بنده قانون را ناقص میدانم جالبسته
 به نظریه آقایان.
رئیس آقایان یک این پیشنهاد را قابل
 توجه می دانند قیام فرمایند.
 (عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد
 پیشنهاد آقای طهرانی قرائت میشود
 (بمضمون آتی خوانده شد)
 این جانب پیشنهاد می نماید که بعد از
 قلب بوده اضافه شود از سه روز تا ده روز
 بجهت تکدی مطابق تشخیص محکمه
 محکوم خواهد شد و نیز الفاظ و غیره
 بشود.
رئیس - بفرمائید
آقای شیخ محمد علی طهرانی -
 عمل قلب و داشتن آلات تقیاب اینها یا
 مدیگر در مقام مجازات مختلف است
 یک کسی عامل تقاب است البته مجازاتش
 تأدیبی است
 بنا بر این جیس اوقالی اشتباه نیست
 ولی کسیکه وزنه تقیاب داشته باشد

ولی متقلب در عمل نباشد مجازات او تکدیبری است یعنی قابل اتباع است اولی باید مجازاتش مجازات تأدیبی باشد یعنی حتماً سه روز تا یکماه حبس شود.

اما اگر يك كسى آلت تقلبی داشت فقط داشتن آلت باعث این نمی شود که قطعاً از سی روز الی یکماه حبس شود و چون این قانون را وضع کرده اند که آلت تقلبی از بین برود فقط وقتی میتوانیم بیک شخصی مجازات بدهیم که با این قانون مخالفت کرده باشد و کسیکه آلت تقلبی خود را معوی نکرده و باید به حبس تکدیبری شود. این که جنحه از او صادر شده باشد و حتماً حبس تأدیبی شود.

از این جهت بنده پیشنهاد کردم اگر قلب داشته باشد در صورتیکه عامل تقلب نباشد از سه روز الی یکماه برای او حبس قابل اتباع نوشته شود.

اما اگر آمد و عامل تقلب شود بوزنه تقلبی چیز فروخت باید از سه روز تا یکماه مجازات تأدیبی بشود یعنی قابل اتباع نباشد پس فرق گذاشتن بین دانه آلت تقلبی و عامل تقلب که اولی باید مجازات تکدیبری شود و دومی مجازات تأدیبی.

بعضی از نمایندگان - صحیح است مخبر در شرح سابق مجلس رأی داد که حبس قابل اتباع از ماده حذف شود.

رئیس آقای حاج ملک التجار پیشنهاد کردند جلسه ختم شود.

(بعضی از نمایندگان بطور همهمه مخالفت نمودند)

رئیس - برای می گیریم آقایانی که پیشنهاد ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد رأی می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای طهرانی آقایانی که پیشنهاد ایشان را قبول میدهند قیام فرمایند.

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای شریعت زاده.

(اینطور خوانده شد)

اصلاح ماده پنج را بترتیب ذیل پیشنهاد می کنم:

ماده ه کلبه اشخاصی که در حجره یا دکان یا کاروانسرا و یا کارخانجات و تجارت خانه یا بوسیله آلات تقلبی وزن و کیل نمایند و اندازه بگیرند علاوه بر ضبط آن آلات از یازده روز تا سه ماه حبس تأدیبی مطابق تشخیص محکمه صالحه محکوم خواهند شد.

رئیس - فرمایند.

شریعت زاده پیشنهاد بنده متضمن سه اصلاح است

یکی اصلاح عبارتی که توضیحی لازم

ندارد یکی راجع است مسئله داشتن سنک تقلبی چون باید کار ما از نقطه نظر اصول حل شود

اگر يك مجلسی میخواهد وجود يك سنك تقلبی را معو کند البته داشتن يك سنك تقلبی ممکن است مستلزم يك يك مجازاتی باشد ولی همیشه مجازات نتیجه ارتکاب عمل منوعی است که به حقوق جامعه و افراد ضرری وارد آورد فرض کنیم يك كسى سنگهای تقلبی ساخته است و يك كسى هم بدون اطلاع آنها را خریده است بدمثلت شد که این سنك تقلبی پس آن عملی که مستلزم مجازات باشد از او سرزده است تا اینکه مجازات شود و بقیه بنده اشخاصی که سنگهای تقلبی میسازند یا اعمال میکنند چندان فرقی بین آنها نیست با اشخاصی که اسناد رسمی را میسازند یا اسناد جعلی میکنند. از این نقطه نظر بنده این جرم را یعنی جرم ساختن سنك تقلبی با اعمال آنرا از وی جرم بزرگی میدانم برای رفع وجوب گیری از این اعمال مستقیم که مجازات شدیدتری در این قانون برایش معین شود

مخبر در قسمت آوزان تقلبی که فرمودند راجع به مجازات آنچه باید عرض کنم عرض کردم در این قسمت هم که مجازات را زیاد کنیم آن را هم بنده بنظر مجلس واگذار میکنم.

ولی در این ماده صحبت از ساختن سنك تقلبی نیست صحبت از استعمال کردن داشتن سنك تقلبی است فقط در این ماده مجازات برای آنکسی معین شده است که با سنك تقلبی وزن و کیل نماید

رئیس - خطاب بشریعت زاده قسمت اول پیشنهادتان رد شده است قسمت دومش را رأی می گیریم

(پیشنهاد ایشان مجدداً قرائت شد)

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای طهرانی آقایانی که پیشنهاد ایشان را قبول میدهند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای شریعت زاده.

(اینطور خوانده شد)

اصلاح ماده پنج را بترتیب ذیل پیشنهاد می کنم:

ماده ه کلبه اشخاصی که در حجره یا دکان یا کاروانسرا و یا کارخانجات و تجارت خانه یا بوسیله آلات تقلبی وزن و کیل نمایند و اندازه بگیرند علاوه بر ضبط آن آلات از یازده روز تا سه ماه حبس تأدیبی مطابق تشخیص محکمه صالحه محکوم خواهند شد.

رئیس - فرمایند.

شریعت زاده پیشنهاد بنده متضمن سه اصلاح است

یکی اصلاح عبارتی که توضیحی لازم

و یا کاروانسرا و یا کارخانجات و تجارت خانه و غیره مدارای اوزان و مقیاسهای قلب بوده و یا بوسیله آلات تقلبی وزن و کیل نمایند و اندازه بگیرند علاوه بر ضبط آن آلات از سه روز تا یکماه حبس تأدیبی مطابق تشخیص محکمه محکوم خواهد شد.

بنابر این بنده عرض میکنم که داشتن آن آلات نباید برای آنها موجب مجازات شود.

اگر آنها را استعمال کنند آنوقت دولت باید آنها را جرم کند و الا کسیکه در خانه اش يك آلت تقلبی دارد و او را استعمال نمیکنند این چرا باید جرم بدهد؟ پس باید بطور نوشته شود:

کلبه تجار و کسبه و قیادار ها و صنعتگران که در حجره یا دکان و یا کاروانسرا و یا کارخانجات و تجارتخانه مدارای اوزان و مقیاسهای قلب بوده و بوسیله آنها وزن و کیل نمایند و اندازه بگیرند.

رئیس - آقای مدبر الملک میپرسند با توضیحاتی که دارم ختم جلسه را پیشنهاد میکنم.

ولی راجع آن کسیکه خلاف کار میشوند بنده هم در این قسمت به عقیده کمیسیون مراقب و از روی اصل ماده استیضاح کرده ام فقط فرقی پیشنهاد من در بودن اوزان تقلبی در حجرات است که این مستلزم سیاسی نیست ولی آنکسی که مبادرت بقلب کرده است البته باید مجازات بشود.

رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(بعضی از نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای قائم مقام.

(بعضیون آنی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ه لفظ و یا بوسیله آلات تقلبی بلفظ بوسیله آنها تبدیل شود.

یک نفر از نمایندگان - این پیشنهاد رو شده است

قائم مقام - بنده بکلی با فرمایشات آقای زهم مخالفم و عقیده دارم که داشتن آلات تقلبی برای کسی جرم نیست بلکه استعمال آن جرم است.

دردهات مخصوصاً دردهات آذربایجان رعایا کنند مرا بابت غرضاتی کیل میکنند که هم جز لوازم زندگی و خانه آنهاست و هم با آن کیل میکنند

اگر بنا باشد داشتن آن آلات مستلزم جرم برای آنها باشد آنوقت باید اسباب خانه مردم ضبط شود

حالا بنده ماده را معیونم و بعد بمرض آقایان میرسانم

ماده پنجم - کلبه تجار و کسبه و قیادار ها و صنعتگران و غیره که در حجره یا دکان

ماده ششم - منتها اختلافی که اوزان و مقیاسهای مستعمله با نمونه اوزان و مقیاسهای رسمی که در شمشه اوزان و مقیاسها موجود است میتواند داشته باشد بقراری است که در جدول نهم در توضیح گردیده و هر گاه معلوم شود که اوزان و مقیاس با اندازه های قانونی زیاد یا کمتر از آنچه مقرر است اختلاف دارد در صورتی هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

رئیس - مخالفی دارد؟

(اظهاری نشد)

رئیس - پیشنهاد آقای اخگر قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ش لفظ مصادره بگنجه ضبط تبدیل شود.

اخگر - مخالفت بنده با این ماده فقط همین کلمه نبود

ولی چون میبینم بعضی از آقایان در سه شان شده است و خیلی نسبت به مذاکرات خشکین هستند و از یک طرف هم مایل هستند که اگر یک قانونی میگذرد صحیح بگذرد از طرفی هم البته مایل نیستند که در بین مذاکرات يك ماده جلسه ختم شود

اینست که از آقایان استماع میکنم تقریباً دو دقیقه تأمل فرمایند و عرض بنده را استماع فرمایند.

ما این اوزان و مقادیر را قبول کرده ام برای اینکه از دست کشور فرار کنیم از اینکه يك مثال بیست و چهار مثال فلانقدر همان يك تکه توضیح بدهند

اگر حقیقتاً آقایان میخواهند این قانون امروز تمام شود که تمام این پیشنهادات در شور اول شده است و دلیل ندارد که برای هر کلمه ما فلسفه بیافیم

بنابر این یکمده که حاضر هستیم این قانون تمام شود و برای بدهند يك صوابی را کم کم تولید میکنند و بالاخره معلوم است قانون تمام شود و نه جلسه ختم میشود.

لذا بنده پیشنهاد کردم که آقایان مایلند که قانون حل شود رأی بدهند و اگر اینطور نیست جلسه را ختم کنند و در جلسه آتی در شمشه مذاکره فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد رأی می گیریم بماده بدون تغییر و سنک

در سطر اول دو و غیره حذف میشود آقایانیکه ماده پنج را بدین ترتیب تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ششم

نیست این است که بنده با این ترتیب مخالفم

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای اخگر را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - رد شد - رأی می گیریم بماده شش آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

چون باید جدول هم رأی گرفته شود و امروز تمام نمیشود اگر اجازه بفرمایند مذاکره را ختم کنیم.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - پیشنهادی راجع به دستور جلسه آتیه رسیده است آقای مدبر الملک و شاهزاده محمدرضا میرزا پیشنهاد کرده اند قانون سجل احوال جزو دستور شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - آقای محمدولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - مقصود بنده این بود که در جلسه آتی پس از این که لایحه اوزان و مقادیر تمام شد و ختم شد لایحه قانونی سجل احوال جزو دستور شود و بر سایر لواحق سجل احوال مقدم باشد

رئیس - آقای روحی (اجازه)

روحی - قانون سجل احوال يك شورش گذشته است و چون يك شورش گذشته البته فاطما خواهد گذشت و بنده بر طبق استعماری سابق آقایان بطوریکه پیشنهاد کرده ام تقاضا میکنم لایحه سرباز گیری عمومی جزو دستور شود

بعضی از نمایندگان - صحیح است.

رئیس - اول رأی می گیریم باین لایحه که مطرح بود.

لایحه اوزان و مقادیر آقایانی که تصویب می کنند جزو دستور باشد قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد الحارای می گیریم بقانون سجل احوال لایحه سرباز گیری هم پیشنهاد شده است.

آقایانی که تصویب میکنند لایحه سجل احوال در درجه ثانی جزو دستور شود قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد

رئیس مجلس شورای ملی - مؤتمن الملک منشی - علی اقبال الملک منشی - معظم السلطان

جلسه يك صندوسی و پنجم صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه ۱۳۰۵ هجری قمری حوت ۱۳ مطابق هفتم شعبان المعظم ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم یکشنبه یازدهم حوت را آقای آقا میرزا اجواد خان قرائت نمودند)

رئیس - آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - بنده در دستور عرض دارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در صورت مجلس راجع به نظامه اجرای قانون يك پیشنهادی هم بنده کرده بودم در صورت مجلس اسمی از آن برده نشده

چون آن پیش نهاد خوانده نشده بود برای این که از بین نرود خواستم تذکر بدهم که در صورت مجلس نوشته نشده

رئیس - پیش نهادی که قرائت می شود در صورت مجلس می نویسد

ولی آنها اینک در میرسد و قرائت نمی شود و راجع می شود کمیسیون اسمی از آنها برداشته می شود.

آقای سر کشیک زاده (اجازه)

سر کشیک زاده - بنده از آقایان محترم معذرت میخواهم که به اندازه دو دقیقه وقت آقایان را اشغال می کنم عرض بنده مربوط به دستور امروز و سایر روزها است و البته مخالف نیستم با اینکه لایحه اوزان و مقادیر در دستور گذاشته شود

و سایر لواحق را از بخشین لواحق میدانم البته آقایان باید موافقت کنند و کمتر صحبت کنند که این قبیل لواحق و قوانین زودتر از مجلس شورای ملی بگذرد

عرض بنده مربوط به طرح هائی است که غالباً از طرف آقایان نمایندگان محترم تقدیم مجلس می شود و بیکه کمیسیون مبتکرات از جاع میگردد و کمیسیون مبتکرات هم وظائف خودش را انجام و رایورت میدهند اگر واقعاً مقصود آقایان از امضاء کردن این طرحها فقط يك امضاء است البته اشکال ندارد

ممکن است امضاء شود و بعد عملی نشود ولی اگر آقایانیکه امضاء می کنند مقصودشان این است که این طرح ها قانون شود و بیکه کمیسیون های مربوطه برود باید تکلیف آنها معلوم بشود مخصوصاً بعضی از این طرحها گاهی مربوط بوقت می شود.

مثلاً حضرت والا شاهزاده سلیمان

میرزا طرحی راجع بترتیب تقدیم پیش نهاد کرده بودند بکمیسیون مبتکرات رفته بود کمیسیون هم در آن رأی داد

این طرح مربوط باول سال آینده است در کمیسیون سابق رأی بقبول توجه بودنش داده شد

ولی چون کمیسیون مدت عمرش منتفی شد کمیسیون ثانی هنوز موفق نشده است که مجدداً رأی بدهد

همین طور آقای داور طرحی راجع به املاک دولت و اموالها که دولت بر شاخص دارد و همینطور مردم بسواط دارند پیش نهاد داده بودند در کمیسیون اول قابل توجه شد و این کمیسیون هنوز موفق نشده است رأی بدهد

بافرض هم این کمیسیون راپرت بدهد باز تصور میکنم آن مجلس نباید که عمر این کمیسیون هم منتفی شد و يك کمیسیون دیگر منعقد شود

مثلاً آقای دامغانی يك طرحی پیش نهاد کردند تقریباً نه ماه است که کمیسیون راجع به این طرح راپرت داده اند

ولی هنوز مجلس نیامده است و مطرح نشده است و همین طور سایر طرحها بنده خواستم از نمایندگان محترم تقاضا کنم که اگر اجازه بفرمایند در اول هر جلسه در مورد این طرحهای قانونی در مجلس مطرح شود

البته اول مرتبه زیاد در آن مذاکره نمی شود یعنی یازد می شود یا قابل توجه می شود و اگر اینطور بشود میکنم کمیسیون مبتکرات هم موفق می شود که برای هر هفته تکلیف هفت هشت طرح را معین کند که در هفته که مجلس چهار جلسه دارد تمام طرحها تکلیفش معلوم می شود

بنابر این پیش نهادی کرده ام تقدیم مقام ریاست می کنم اگر موافقت بفرمایند همینطور معمول شود

رئیس - راجع به امروز است **سر کشیک زاده** - بله

رئیس - امروز که حاضر نیست می ماند برای جلسات بعد

سر کشیک زاده - بسیار خوب

رئیس - لایحه اوزان و مقادیر از ماده هفتم مطرح است

(شرح ذیل قرائت شد)

ماده هفتم برای اجرای این قانون و ترتیب و تقشیر و رسیدگی و ساختن استعمال اوزان و مقیاس های جدید و جلوگیری از اوزان تقلبی

وزارت بولاید هانه نظامنامه مخصوص ترتیب و رسیدگی از تصویب دولت بوقت اجرا گذارده می شود

رئیس - ماده هفتم تصویب شده است

جمعی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - ماده هفتم قرائت می شود

ماده ششم - منتها اختلافی که اوزان و مقیاسهای مستعمله با نمونه اوزان و مقیاسهای رسمی که در شمشه اوزان و مقیاسها موجود است میتواند داشته باشد بقراری است که در جدول نهم در توضیح گردیده و هر گاه معلوم شود که اوزان و مقیاس با اندازه های قانونی زیاد یا کمتر از آنچه مقرر است اختلاف دارد در صورتی هم که دارای علامت رسمی باشد قلب شناخته شده و مصادره خواهد شد.

رئیس - مخالفی دارد؟

(اظهاری نشد)

رئیس - پیشنهاد آقای اخگر قرائت میشود.

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ش لفظ مصادره بگنجه ضبط تبدیل شود.

اخگر - مخالفت بنده با این ماده فقط همین کلمه نبود

ولی چون میبینم بعضی از آقایان در سه شان شده است و خیلی نسبت به مذاکرات خشکین هستند و از یک طرف هم مایل هستند که اگر یک قانونی میگذرد صحیح بگذرد از طرفی هم البته مایل نیستند که در بین مذاکرات يك ماده جلسه ختم شود

اینست که از آقایان استماع میکنم تقریباً دو دقیقه تأمل فرمایند و عرض بنده را استماع فرمایند.

ما این اوزان و مقادیر را قبول کرده ام برای اینکه از دست کشور فرار کنیم از اینکه يك مثال بیست و چهار مثال فلانقدر همان يك تکه توضیح بدهند

اگر حقیقتاً آقایان میخواهند این قانون امروز تمام شود که تمام این پیشنهادات در شور اول شده است و دلیل ندارد که برای هر کلمه ما فلسفه بیافیم

بنابر این یکمده که حاضر هستیم این قانون تمام شود و برای بدهند يك صوابی را کم کم تولید میکنند و بالاخره معلوم است قانون تمام شود و نه جلسه ختم میشود.

لذا بنده پیشنهاد کردم که آقایان مایلند که قانون حل شود رأی بدهند و اگر اینطور نیست جلسه را ختم کنند و در جلسه آتی در شمشه مذاکره فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد رأی می گیریم بماده بدون تغییر و سنک

در سطر اول دو و غیره حذف میشود آقایانیکه ماده پنج را بدین ترتیب تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده ششم